

در این شماره می‌خوانید:

ارتان پیروی

# ۱۳ آبان

روزنامه دانشجویان و دانش‌آموزان پیروکار

- اثر نلسون ماندهلا چیست؟ ..... صفحه ۹
- تحصن دانشجویان اقلیتی و کمونیست ایرانی در اطریش ..... صفحه ۱۴
- نوددها فرزندان زندانی خود را آزاد میکنند ..... صفحه ۴
- صدای رسای بیهک سرخ انقلاب،
- مزدوران جمهوری اسلامی را خفه کرد! ..... صفحه ۱۱
- فرار از جنگال مزدوران رژیم به یاری نوددها ..... صفحه ۱۲

سال دوم - شماره ۷۳ - پنجشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۶۰ - شماره ۱۵۱۵

## بحثهای خیابانی و مباحثین ما

صفحه ۱۵

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

صفحه ۲۰

### نابودی سرمایه‌داری وابسته: تنها پاسخ انقلابی

در هفته‌ها و روزهای اخیر ما شاهد درگیری و برخورد شدید جناحهای هیات حاکمه با یکدیگر بر سر کف قدرت هستیم. آنچه کینه و بزرگی جنسک و دعوی دوره اخیر را با دوره‌های گذشته متمایز میکند همانا تشدید و اوجگیری هر چه بیشتر تضادهای درونی هیات حاکمه می‌باشد. هم اکنون جناحهای رقیب سر سره‌ها...



مبارزات  
اتحاد به جوانان کمونیست  
چین  
۵

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بیتها از صفحه ۱

جدیدی را در بیرون رانند. همدیگر از قدرتی سیاسی تجربه میکنند و هماکنون که در شماره گذشته در همین ستون توضیح دادیم از حطای آنها و نا مضمون دست برداشتنه و تنها جماعت کار و مشخص را بر علیه هم آغاز کرده اند. اینک آنان یک سوال را در پیش روی هم قرار میدهند: کی باید از قدرت برود؟

این سوالی است که تمام جناحهای درگیر سیاسی میکنند بر اساس منافع منفی انقلابی خود بدان پاسخ دهند و ما میگوییم با ارزیابی سیاستهای آنان، با ساختن کمونیستی و انقلابی این سوال را روشن سازیم.

### حزب می گوید: لیبرالها

شما چه تند و تیزی که "حزبها" از چندین پیش بر علیه "لیبرالها" و بیژنه بیستی مدرخان آغاز کرده اند بر این واقعیت تکیه دارده که آنان به هیچ وجه دیگر حاضر نیستند جناح رقیب را حتی در اس بر خشی مواضع قدرت ببینند. آنان خواهان این مسئله هستند که رقیب مقابل از قدرت دست بشوید و تنها به مثابه "عروسکی" که مجری سیاستها و شیوه های آنان در جهت حیل بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی جامعه و لاجرم عامل اجرای سیاست "سرکوب و بازسازی" آنان باشد عمل نماید.

هم اکنون "حزبها" با در دست داشتن مواضع کلیدی قدرت از جمله مجلس، شورای نگهبان، دولت، قوه قضائیه، دادگاهها و زندانها، راديو و تلويزيون، کمیته ها و سپاهيان و در اختيار داشتن ارگانهای مهم دیگری همچون بنیاد مسکن، بنیاد شهید، بنیاد مستضعفین و... و همچنین پشتیبانی بی چون و چرای خمینی در پی به سرانجام رساندن این "نیت و تمایل" خود هستند.

لغو "لیحه حذف فرمان هما یونی" و انتخاب روسای بانک مرکزی و هیلال احمدی... بر سرینه دولت که در دو هفته گذشته از طرف مجلس تصویب شده و شورای نگهبان نیز بر آن مهر نهاده است. حاکی از بکارگرفتن این مواضع کلیدی در جهت راندن رقیب مقابل از محیط قدرت میباشد.

از همه بیشتر سخنرانی خمینی در هفته گذشته میباشد که شدیدا به "لیبرالها" و به ویژه بیستی مدر حمله نموده است. خمینی میگوید: "هی نگوید ملت با من است. ملت ایران زای داده است به جمهوری اسلامی. ملت خشی نمیخواهد". و با "بعد از اینکه یک چیزی قانونی شد دیگر نیکی زدن در او اگر بخواهد مردم را تحریک کند مفیدی الارض است و با پیدا اودا دگاها عمل مفیدی الارض میکنند" جمهوری اسلامی پنجشنبه ۱۹ فرورداد ماه.

خمینی با سخنان اخیر خود، حمایت و پشتیبانی بی چون و چرای خود را از "حزبی" ها در مقابل "لیبرالها" اعلام میدارد. او به بیستی مدرود دیگر "لیبرالها" تخاصن میگوید اینقدر صحبت از رای ملت و پشتیبانی آنان از خود نکنند و به تحریک آنان بر علیه گروهی (حزبها) نبوده اند. او حتی میگوید کسیکه به این کار دست بزند او را گناهی از قبیل دولت را که قانونی شده اند مورد حمله قرار دهد مفیدی الارض بوده و با پیدا دگاها تکلیفی را معین کنند.

بدین ترتیب روشن میشود "حزبها" ی جنایت پیشه میکنند و در اینجا با استفاده از مواضع کلیدی که بکف دارند و با حمایت و پشتیبانی خمینی، رقیب مقابل را از عرصه قدرت دور کرده و حاکمیت بی چون و چرای خود را تا همین نماینده انسان در مقابل بحران عمیق اقتصادی - سیاسی

### تصحیح و پژوهش

رفقا و دوستان دانش آموز:

در بیک سرخ شماره ۱۹ در خبر مربوط به گزارش اول ماه مه در تریز گزارشی که از دبیرستان "امیرنظام" فرودسی..... آمده بود کلمه "فرودسی" اضافی میباشد و باید حذف گردد.

در خبر مربوط به گزارش اول اردیبهشت از اردبیل، کلمه "فراوان" اضافی میباشد و باید حذف گردد.

"هيات تحريريه بيگ سرخ"

ضمیمه - مطی ۱۲ آبان - آشتا -

رات سازمان دانشجویان و

دانش آموزان بیگار -

آذربایجان

جامعه یک راه در پیش پای "لیبرالها" میگذارد: اجرای سیاستها و شیوه های "حزبها" در جهت "سرکوب و بازسازی". بنا بر این پاسخ "حزبها" سوال فوق مضمون میشود: "لیبرالها" باید کتا و پروتدنا آنان با خیال آسوده بر اریکه قدرت تکیه زنند. اما آیا "حزبها" با توجه به شرایط قطعی جامعه و ویژگی "لیبرالها" در حاکمیت موفق میشوند؟ آیا میتوانند همچنان تکیه بیستی مدرخان میگویند: "مسئله، مسئله حذف رئیس جمهوری است" و را کتا و بززنند؟

### حزبها تا توان از کنار گذاشتن لیبرالها

آنچه که به بیستی مدر و کلا "لیبرالها" در مقابل جناح "حزبی" و بیژنی میباشد و ما نت کتا و گذاشتن بطور کلی از عرصه قدرت میباشد تگای آنان به ارتش و توده های متوهم کثیری است که بدور خود جمع کرده اند. "لیبرالها" با در اختیار داشتن ارتش، این ابزار کلیدی و بسیار مهم در قدرت سیاسی و فرماندهی آن به عنوان مهمترین وسیله واسطه خود در لحظه فعلی، در مقابل رقیب مرش وجود میکنند و تانسه میکنند. روشن است که کل رژیم حاکم هم در موقعیت جنگی کتونی و هم برای سرکوب مبارزات زحمتکشان به ارتش نیازمند است. بنا بر این پرواضح است همچنین به "لیبرالها" که در آن نشود همه جانبه داشته و رهبری آنرا در دست دارند نمیتوانند نیاز است. و این اساسی ترین فاکتوری میباشد که "لیبرالها" در مقابل رقیب در دست داشته و میتوانند آنان را همچنان در قدرت، هر چند در موضع ضعیف پایتکار نگاه دارد.

عامل دیگری نیز که "لیبرالها" نمیتوانند بیستی مدر بر آن تکیه دارند و از آن در جهت حفظ خود در قدرت سود میجویند توده های وسیع متوهمی میباشد که به گرد آنان جمع شده اند. "لیبرالها" که از ابتدا با موام فریبی و یوفاندن قیای "آزادبخواهی" بر خود در پی کسب اعتماد توده های متوهمی که از جناح "حزبی" دل بریده بوده اند هم اینک نیز با افشای رقیب مقابل در نشریات و سخنرانیها و معامیه های خویش و قبیل و دادهای عوام فریبانه و ارتجاسی هم

چنان در طلب طرفداری آنان از خود هستند.  
 بنا بر این اگر چه حزبها خواهان کنار زدن "لیبرالها" باشند از قدرت هستند اما با توجه به شرایط جنگی و وحدت پائی مبارزه طبقاتی، نقش ویژه ارتش، نفوذ اندک حزبها در درون ارتش، رهبری "لیبرالها" بر آن، حمایت توده های متوسل هم از "لیبرالها"، نتوان میباشند.

### لیبرالها رای به رفتن حزب می دهند

همانگونه که در شماره گذشته نشان دادیم "لیبرالها" در مقابل سیاست اخیر "حزبها" که کنار زدن بهر ترتیب آنها را هدف قرار داده است دورا در پیش پنا نا رند با سکوت کنند و نا ظر تماما به قدرت در کلیت خویش بدست زقیب مقابل باشند و با مبتنا به دفاع از قدرت خود بپردن سهم بیشتر از آن به تنها جهت بزیندان آن راه دوم را برگزیدند.

همچنین نشان دادیم چگونه "لیبرالها" برای این تهاجم سیاست مستعکم کردن قطب ارتجاعی خود را در پیش گرفتند و طبقاتی گوناگونی را در درون آن جای داده اند. بنا بر این اگر چه قطب ارتجاعی "لیبرالها" بعنوان سیاست وشمار واحد خود جمله به "حزب" را در دستور کارش قرار داده است اما هر یک از طبقات در پس این سیاست وشمار واحد، حدود و شعوری را برای آن قائل بوده و منظور خاصی را دنبال میکنند.

### بنی صدر قدرت سابق خویش را می خواهد

در شماره گذشته نظریه گفتیم که بنی صدر جلا آنچنان برای کسب هر چه بیشتر قدرت و تصاحب جای سابق خویش در قدرت میجنگد که دیگر خمینی و هیات سه نفره جل اختلافات را بزیبر سوال کشیده و قسمی بدانان نمیکند.

بنی صدر با انگشت گذاشتن روی دولت و سایر ارگانها مثل شورای عالی قضایی و... و با اعلام جرمها "مکرر بر علیه

آنان خواهان آنچنان موقعیتی است که تا کمیت خود را تثبیت نماید. و اگر این "اعلام جرمها" را با صحنهای خمینی که در بالا آمده است مقایسه کنیم متوجه عمق تهاجم بنی صدر و بیزیا گذاشتن حرفهای خمینی و... می شویم. هنوز روزی از صحنهای خمینی نمیگذرد که تندی صدر با زد و مقابل آنانی که او را به محاکمه تهدید میکنند متولوبها خمینی را رانیز نشان داده و میگوید: "مرا از محاکمه نترسانید. محاکمه من، محاکمه ملت مرموسی است که انقلاب کرده و بمن رای داده است." میزان شنیده ۹ خرداد -

بنا بر این روشن میشود که بنی صدر این سادگیها نمیخواهد از میدان بدر رود و به این آسانتها به حرف خمینی و... گوش نمیدهد. حرفهای او دقیقاً دولت و شورای قضایی و خمینی را نشان داده بنی صدر، حیل و کجولاد، کماکان به "رای ملت" معتقد است و سعی دارد هم چنان با عوام فریبی، توده های کثیر متوهم را در پشت سرش مبتنا به سکوی پرتاب خود بطرف قدرت بیشتر نگه دارد. آری! پاسخ بنی صدر چنانست که به سوال بالا مشخص است: "حزبها" با بد قدرت سابق را به او باز نگردانند و از اینکه قدرت کنار رفته و بیزیر "فرمان" او روند. بدین ترتیب روشن است که پاسخ ارتجاعی بنی صدر تنها در جهت منافع او عمل می کند. او میخواهد قدرتی باشد که تنها سیاستها و شیوه های او در جهت سرکوب کارگران و زحمتکشان و بیگ کلام انقلاب و همچنین با زنازی سیستم پوسیده سرمایه داری وابسته و هدایت و رهبری آن بکار رود.

اما اگر بنی صدر آشکارا بر کسب مواضع کلیدی قدرت پای میفشرد و امرار دارد بخشی از "لیبرالها" از جمله کما نیکه بدور روزنامه "میزان روشنفکرت آزادی" جمع شده اند با اینکه در جمله به "حزبها" و کو - تاه کردن دست آنان از قدرت با بنی صدر همدا هستند اما در مواضع رسمی خود پوشش "اشتی دهنده" بر آن می اندازند. مثلا "نهفت آزادی" در "هدار" خود بپرا - مون بحران کنونی کشور میگوید: "آنچه

فعلا میگوئیم و جدا میخواهیم این است که طرفین دعوا اعلام آتش بر شما باند دولت دست از این قبیل لوایح و اقدامات حاد بردارند و جناب رئیس جمهور هم اعتراضات و افشاگریهای خود را از مجرای هیات سه نفری بگذرانند" میزان - هشتم خرداد

بدین ترتیب روشن میشود که پاسخ این دسته از "لیبرالها" نه جواب صریح و آشکار بنی صدر بلکه مبهم و گنگ میباشد. آنان میخواهند به اصطلاح خود را کنار نگاه داشته و از پشت سر بنی صدر در پی کسب قدرت باشند.

### مجاهدین و خلق بیدار حزب

در شماره گذشته نشان دادیم که چگونه مجاهدین بغا طرکرا بیانات شدیداللیبرالی خود عملاً در قطب "لیبرالها" جای گرفته و بیشتر نقش سیاسی لشکر را برای بنی صدر بازی کرده و سکوی پرتاب او بسوی کسب قدرت بیشتر شده اند. مجاهدین با شعار خلق بیدار "حزب" دقیقاً حذف و بنا بودی جناح "حزبی" را نشان گرفته و جاده را برای حاکمیت بنی چون و چرای بنی صدر صاف میکنند. آنان چنین عمل میکنند و بسته توده ها و نمود میسازند که با حذف "حزبها" از قدرت میتوان انداختن انقلاب را به پیش رانند. بدین ترتیب تهاجمهای ارتجاعی درون هیات حاکمه را بنا درست جای تضاد انقلاب و ضد انقلاب نشان داده، آن را تقدیس کرده و چنین بورژوازی میسازند میبطلند. بدین خاطر بنا بودی قدرت سیاسی بورژوازی و جایگزین آن با حکومت زحمت کشان را نه از راه قهر و انقلاب بلکه از راه فریب و مسامحت آمیزی ببینند.

بدین ترتیب همانگونه که با رهبران گفته ایم مجاهدین بغا طر همین تزلزلات عمیق و نا پیکریهای خود مبتنا به کمانی عمل میکنند که راه "لیبرالها" را برای رسیدن به قدرت بیشتر هموار میکنند. بنا بر این اگر چه پاسخ مجاهدین به سوال بالا "صد در صد" مثبت میباشد اما تعمیق این شمار تنها تعمیق گرایشات شدیداللیبرالی آنان را بدنبال دارد.

## علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پی کار توده ها!

# توده‌ها فرزندان زندانی خود را آزاد میکنند

که این عمل کوچکترین ناشی در تجمیع کنندگان نداشته و آنها همچنان برآزاد می‌نمانند فرزندان خویش پای میفشارند. در این هنگام عوامل ارتجاع تنها چاره کار را در این می‌بینند که دستگیرشدگان را بتدریج وبا گرفتن تمهیدات آزاد کنند، ولی از آنجا که این کار آنها با عکس العمل دانش آموزان انقلابی و کمونیست دستگیر شده روبرو میشوند، ناچار عده‌ای را بدون تمهید آزاد میکنند. غالب اینهاست که خانواده‌های دانش آموزان برای تحویل گرفتن فرزندان خود بداخل زندان رفته و کاغذهای تمهید را پاره می‌کنند.

پس از سه روز پاسداران ارتجاع تحت فشار شدید خانواده‌های دستگیر شدگان که همراه دیگر توده‌های آگاه در مقابل زندان اجتماع کرده بودند، مجبور به آزادی کلیه دانش آموزان دستگیر شده میگردند.

رژیم در این جریان ماهیت ارتجاعی و سرمایه‌دارانه خویش را چه در رابطه با دانش آموزان دستگیر شده، که پشت و کتک و دشنام ... بجان آنها افتاده بود، و چه در رابطه با توده‌ها و خانواده‌های دانش آموزان نشان داد. و توده‌ها در یک برخورد مستقیم و عینی بیست‌سال از پیش‌ماهیت پلید و سرمایه‌دارانه رژیم جمهوری اسلامی پی بردند.

در روز ۵ شنبه ۶۵/۲/۱۵ دانش آموزان آغا جاری بجهت مناسب گرامیداشت هفتمین روز شهادت مجاهدین در آمل (که بوسیله عوامل رژیم در آنجا ترور شده بودند) از صبح زود در دبیرستان "محبوبه متحده" حاضر شدند و دست به تظاهرات و افشاگری زدند. به این ترتیب آنها از رفتن بر سر کلاسهای درس خودداری کرده و دبیرستان را آماج شعارهای انقلابی خویش کردند. در این هنگام عوامل رژیم که شدیداً از تجمیع دانش آموزان در حیاط مدرسه، شعارها و تظاهراتشان بخشم آمده بودند، مغولوار به دبیرستان حمله ور شده به ضرب و شتم دانش آموزان میبردند و بوسیله چاقو و چماق و قنداق تفنگ و ... بجان آنها میافتند. سپس تعداد ۱۲ دانش آموز دختر را که از هواداران مجاهدین و هواداران سازمان پیکار بودند، دستگیر کرده و به زندان میبرند. غمناکانه حمله و دستگیری بسرعت در سطح شهر میپیچد و خانواده‌های دانش آموزان و دیگر توده‌های آگاه در مقابل زندان آغا جاری (دادگاه انقلاب) تجمیع کرده و خواستار آزادی فرزندان در بند خویش میشوند.

پاسداران ارتجاع که از عکس العمل زحمتکشان و خانواده‌های دانش آموزان بشدت جا خورده بودند، برای ترساندن مردم شروع به تیراندازی هوایی میکنند

بنا بر تشدید تظاهرات درونی هیات‌ها - که بوجود می‌آید و کوشش در جهت رشد هر چه بیشتر مبارزه طبقاتی و جنبش اوچگیرنده توده‌ها - و این همه را میباید پشت‌بسر بسترافشای هر چه بیشتر ماهیت ارتجاعی تظاهرات درونی هیات‌ها که و جنانچه‌های درگیر و همچنین افشای ترلزلات و گرایشات عمیق لیبرالی مجاهدین انجام دهند.



هنوز نسبت به ماهیت کل رژیم و با برخی جناح‌ها توهم دارند. آنان سعی در کشتن توده‌های زحمتکش بدرون صنف انقلاب و فشرده کردن آنان در جهت کسب قدرت سیاسی دارند، نه به ما نسبت مجاهدین کوشش در جهت کشتن توده‌های وسیع پشت سر خود بدرون قطب "لیبرالها" و لاجرم عمق بخشیدن به توهم آنها و نا هموار کردن جاده سرخ انقلاب؛ بنابراین پس وظیفه کمونیست‌ها و انقلابیون پیگیر روشن است: استفاده از شرایط علنی ای که

## پاسخ کمونیست‌ها:

### نابودی سیستم سرمایه‌داری وابسته

از آنجا که کمونیست‌ها هیچگونه تردیدی نسبت به ماهیت ارتجاعی قدرت سیاسی ندارند، از آنجا که کمونیست‌ها بدرستی میدانند که رشته‌های بسیار محکم سیاسی جناح‌های متفاوت هیات‌ها که راه بسته سیستم‌گنبدیده سرمایه‌داری وابسته، بسته است، از آنجا که کمونیست‌ها بدرستی میدانند که این جنگ و دعوا بر سر کسب قدرت، برای اعمال سیاستها و بکارگرفتن شیوه‌های خاص هر یک از طرفین ارتجاعی در جهت "سرکوب و بازسازی" میباشد، به همین دلیل آنان نه تنها نابودی قدرت سیاسی را بلکه همراه و پیوسته با آن نابودی سیستم سرمایه‌داری وابسته را هم در دستور کار خود قرار میدهند. کمونیست‌ها نه تنها نابودی هر دو جناح بورژوازیسی حاکم، بلکه در اساس خود، نابودی سیستم سرمایه‌داری وابسته به همراه تمام نمایندگان سیاسی را در برنا می‌کار خود دارند. آنها نه تنها بر جناحی از سرمایه‌داران حاکم تکیه نمیکنند و به شیوه‌ای رفرمیستی خواهان حذف یک جناح از قدرت نمی‌شوند، بلکه پاسخ انقلابی به بحران انقلابی کنونی را تنها و تنها در نابودی سیستم سرمایه‌داری وابسته و دستگاه دولتی حافظ آن میدانند. هرگونه درکی که رابطه بین قدرت سیاسی و سیستم پوسیده سرمایه‌داری وابسته را نبیند و تنها زدن قدرت سیاسی را در دستور کار خود قرار دهد همانا درکی رفرمیستی بشمار می‌آید. آری! کمونیست‌ها و انقلابیون پیگیر بهیچوجه مرز بین انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش نکرده و تظاهرات درونی هیات‌ها که راه برای جای آنان نمی‌نشانند، آنان بدرستی از تظاهرات درونی هیات‌ها که سودجسته و بربرتر شرايطیکه بوجود می‌آید و رژیم حاکم بنا بر تشدید تظاهرات درونی قادر به نابودی آن نبوده، بیشتر کوشش را در جهت افشای هر چه بیشتر ماهیت ارتجاعی رژیم حاکم بکار برده و تبلیغ گسترده را بر علیه آنان سازمان میدهند. آری! کمونیست‌ها و انقلابیون پیگیر از این تظاهرات سود میجویند اما نه در جهت تشبیت حاکمیت یک جناح بلکه در جهت آگاهی توده‌های وسیع زحمتکشان که

# کمینترین و جنبش جوانان [۱۲]

## مبارزات "اتحادیه جوانان کمونیست"

### چین

مقدمه:

مقاله " مبارزات اتحادیه جوانان کمونیست چین " در دنباله سری مقالات مربوط به آشنائی با جنبش جوانان و چگونگی فعالیت سازمانهای جوانان از اسناد کمینترین ترجمه شده است. این مقاله که توسط " وانگ فو " نوشته شده است " در نشریه " انترناسیونال کمونیستی " که متعلق به " هیات اجرایی کمینترین " است چاپ گردیده است (مفصله ۳۵ - سری ۲ - جلد ۱۲ شماره ۴ - ۱ ، ۱۹۳۵)

در این مقاله ما چگونگی فعالیتات " اتحادیه جوانان کمونیست " چین که متعلق به " انترناسیونال جوانان کمونیست " کمینترین بوده است آشنا شده، و به چگونگی کار و فعالیت کمونیستهای جوان در مناطق تحت سلطه کومین تانگ، و در مناطق سرخ، رابطه اتحادیه جوانان با حزب کمونیست و ارتش سرخ و شرح سازماندهی فعالیتات و جنبشهای دهقانی در چین پی خواهیم برد.



مشکل است که میزان فلاکت، گرسنگی و ظلم را در شهرها و روستاهای چین کومین تانگ تصور نمود؛ جامعه چین زیر بار گرسنگی و فلاکت و ظلم دست و پا میزنند. کارخانه ها و کارگاهها در معرض تعطیل و بسته شدن هستند. تنها در شهرهای گوناگون از ۱۳۵ کارگاه نساجی، ۹۵ عده آنان بسته شده اند. در نتیجه از ۳۰ کارگاه نساجی، تنها دو عده آنان کار میکنند. در کینانگ سین (از منطقه هوئی) تنها ۴۷ هزار کارگر در رشته های صنعتی کار میکنند و بیش از ده هزار نفر بیکار هستند. در "سچوان" ۸۰ درصد کارگران کارخانه-

که میشناختند سربزست شان بوده، و غذائی که داشتند بسیار بد بود. در کارخانه های نساجی متعلق به ژاپن، کودکان حدود ۲۰٪ کل کارگران را تشکیل میدادند. تقریباً همین شرایط در سایر کارخانه ها نیز وجود داشت.

ولی شرایط جوانان طبقه کارگرها بد بهتر از زندگی این بردگان کوچک (کودکان) نبود. در کارخانه های شهرهای گوناگون، کودکان ۹ تا ۱۲ ساله حدود ۵۰٪ کل کارگران را تشکیل میدادند. در جایی که کارگران سالمند بالغ بر ۴۵ تا ۵۰ سنت روزانه دریافت میکردند، این کودکان در ازای ۱۲ ساعت کار تنها ۱۰ تا ۲۰ سنت میگرفتند. اگر ما به این موضوع این حقیقت را نیز اضافه کنیم که قیمت برنج دو برابر شده است، آنوقت روشن خواهد شد که این دستمزد حتی اجازه یک زندگی بخور و نمیر را هم نمیدهد.

کارگران کارگاههای پنبه "تین سین" همگی جوان هستند. صاحب کارگاه بجای ۱۵۰ کارگر سالمند، ۳۰ کارگر جوان را استخدام کرده است که این کارگران مجبور به همان مقدار تولید ولی با ۱۴ تا ۱۵ ساعت کار روزانه هستند. حقوق ناچیز آنان حتی اجازه یک زندگی بخور و نمیر را هم نمیدهد.

به این موضوع بایستی اینرا اضافه کرد که گاهی اوقات دستمزد کارگران برای ۳ تا ۴ ماه پرداخت نشده، و با بخش بزرگی از این حقوق ناچیز توسط کارفرما بعنوان پول جریمه، در بسیاری مواقع ۲۵٪ حقوق کسر میشود. اگر باین مسئله این واقعیت را بیافزاییم که اغلب اوقات کارگران جوان توسط سرپرستان پندیده آنگک میخورند، آنوقت است که تصویر کاملی از زندگی جوانان

های نساجی اخراج شده اند. در منابع نمک این منطقه ۹۰٪ و در منابع ابریشم ۵۰٪ کارگران بیکار شده اند. خیابانهای چین از صدها هزار نفر کارگر بیکار که تنها آینده شان گرسنگی و فقر است پر شده است. از وجود چنین ارتش عظیم بیکاران، سرمایه داران برای افزایش استثمار استفاده میکنند. اگر در قبال یک کارگر چینی در ازای تعمیر ۶۰ دستگاه ماشین حداکثر ۸۰ سنت (یک دلار چینی بیست و چهارم تایک سوم دلار آمریکایی است) دریافت میکرد، در حال حاضر همان کارگر ۱۰ ماهش را تعمیر کرده و دستمزدش به ۴۰ سنت کاهش یافته است. بوسیله سیستم سنتی کار قرارداد می دادند که بنام سیستم "بوگان" مشهور است، سرمایه دار کارگر آن سال مندر را از کار اخراج نموده و بجای آنان کودکان را بکار میگمارد. سیستم "بوگان" بدین صورت کار میکند: سرمایه دار ما مورین ویژه خویش را به مناطقی که به علت بدی محصول تحت فشار هستند، و یا به بازار برده فروشی که نه فقط در روستاها بلکه در شهرهای بزرگی مانند "تین سین" وجود دارند میفرستد.

(در "سچوان" اداره ویژه ای برای استخدام کودکان وجود دارد). این ما مورین با پرداخت ۸ - تا ۱۰ دلار به پدر و مادر هر کودک ۸ تا ۱۶ ساله، این کودکان را به کارخانه ها - یعنی جاشیکه آنان بصورت برده کارفرما در میآیند - میبرند. در طول سه تا هفت سال اول این کودکان در کارگاههای مخصوص که کاملاً جدا از دنیای خارج است شروع بکار می کنند. در طول این چند سال، تنها کسی

## زنده باد کمونیسم!

کارگردان کومین تانگ داریم. نشریه چینی "سینگ چام" اسامه زیر چاپ کرده است:

"بر اساس بررسی کمیته‌ای که از طرف جی‌ها و چینی‌ها برای نجات مناطق قطعی زده تشکیل شده بود، کل جمعیتی که زیر فشار قحطی قرار دارند اکنون ۱۱۹/۰۰۰/۰۰۰ نفر است. آن دهقانی که با چنین شرایط وحشتناک و فلاکت باری که توسط طبیعت و انسان ایجاد شده، روبروست، تنها یک راه گریز دارد: مرگ."

تنها در ناحیه "هوپی" ده میلیون نفر از مردم بومی و آوارگان زندگی می‌کنند (۷ میلیون آنان جوان هستند) که با علف و ریشه درختان و غیره... خود را سیر میکنند.

انسان، در شهرها بیکاری را در کارخانه‌ها بردگی و استعمار زنده را با چشم می‌بیند. در دهات تباستان دور - اندیشی تنها هدیه‌ای که برای بزرگان آن دارند، مرگ است. چه راه حلی برای نجات از این وضعیت وجود دارد؟ تا آن که ضعیف تربوده و این شرایط را نمی‌توانند تحمل کنند راهی بجز خودکشی ندارند. خودکشی یک پدیده معمولی و عادی زندگی در چین کومین تانگ است. ولی تعداد روبه افزایش زمینکشان، تحت رهبری حزب قهرمان کمونیست چین، تنها راه خروج از این بن بست را می‌پند - مبارزه انقلابی. جنبش اعتصابی در حال رشد و گسترش است. جنبش اعتراضی دهقانان روبه افزایش بوده و جنبش پارتیزانی انقلابی در سراسر چین گسترش می‌یابد.

در چنین مبارزه عادی برای رهایی از بردگی و فقر، "اتحادیه جوانان کمونیست" چین با روپشتیان وفادار حزب کمونیست - جوانان کارگروه‌هقان چینی را متشکل نموده و هدایت و رهبری میکند. اعضای "ا.ج.ک" در شرایط کاملاً غیرقانونی و مخفی در آن مناطقی از چین و منچوری که زیر سلطه کومین تانگ است، فعالیت میکنند. مرگ تنها حکمی است که به اعضای ا.ج.ک، بدون توجه به موقعیت و جایگاه تشکیلاتی‌شان داده میشود. علیرغم این، ا.ج.ک جنبش اعتصابی جوانان را بسیج و متشکل می-

نماید. در آوریل ۱۹۳۳، در شهر شانگهای، "ا.ج.ک" یک اعتصاب عمومی کارگران نساجی را سازماندهی کرده و رهبری نموده، در طول دو ماه اول بهار گذشته، "ا.ج.ک" و تظاهرات جوانان بیکار را سازماندهی نمود. در "تان تنگ" کارگران جوان نساجی که به سنگ مسلح بودند به مبارزه علیه قشون حکومت پرداختند. در یکی از کارخانه‌های اسلحه سازی "سچوان" جایی که کارگران با زور اسلحه بکار مشغول بودند، کارگران در جواب به این زور و ظلم و به ابتکار اعضای "ا.ج.ک" در آن کارخانه، شروع به تخریب ماشینهای کار نمودند. بخوری که کارخانه برای زمانی طولانی نتوانست بکار بیافتد.

در مادن زغال سنگ منطقه "هوپی" شمیه معنی "ا.ج.ک" به اعتصاب بر رهبری نمود، و ۳۰۰ مینتنگ توده‌ای را بر ضد حملات کومین تانگ روی مناطق سرخ سازماندهی کرده یک هیات نمایندگی ۱۰۰ نفره از کارگران را به مناطق سرخ اعزام کرده و در طول ۳ هفته نشریه‌ای برای جوانان (با تیراژ ۳۰۰ عدد) منتشر نمود که بین کارگران دست به دست میگشت.

در اعتصاب کارگران دغانیات، "ا.ج.ک" نقش مهمی بازی نمود. در سپتامبر ۱۹۳۳، کارگران دغانیات برای هفتمین بار دست به اعتصاب زدند. بطور متوسط این کارگران در عرض سال سه بار اعتصاب میکردند در آخرین اعتصاب آن حدود ۸۰۰۰ کارگر شرکت کرده بودند، که حدود ۱۰ هفته بطول انجامید.

"ا.ج.ک" در مبارزه دهقانان علیه مالیات، و کاهش اجاره خانه نیز نقش مهمی بازی نمود. در فاصله اکتست تا اکتبر ۱۹۳۳ (فاصله یک ماهه)، "ا.ج.ک" ۲۵ جنبش اعتراضی دهقانی را سازماندهی کرده، که ۲۰ تان آنان به پیروزی دهقانان انجامید. در ناحیه دیگری، در فاصله نوامبر ۱۹۳۳ تا ژانویه ۱۹۳۴ - (فاصله دو ماهه)، "ا.ج.ک" ۲۰ عسده جنبش اعتراضی دهقانی را متشکل نمود که ۱۰ تان آن به پیروزی منجر گردید. در رابطه با این فعالیت‌هاست که در دهات گروههای دفاع از خود، پیشاهنگ و گارد جوانان سازمان یافته است. در این مبارزه، بسیاری از زنان و مردان جوان

اتی که بیکارگران نما کار انقلاب بودند بزندان افکنده شده و با تیرباران شدند. در سال گذشته، تنها در شانگهای، پلیس و مزدوران ارتجاع و جاسوسان آن ۲۶ بار دست به دستگیریهای وسیع زده و بیش از هزار نفر از اعضای "ا.ج.ک" را دستگیر نمودند. کلیه دستگیرشدگان علیرغم آنکه زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌های پلیس قرار داشتند، آنچنان که از انقلابیون بایسته است رفتار نکردند.

تاریخ "ا.ج.ک" پر از مثال‌های در رابطه با رفتار و کردار شجاعانه و قهرمانانه رفقای ما است. زمانیکه رفیق هولانگ - جن - عضو کمیته مرکزی "ا.ج.ک" چین دستگیر گردید، مزدوران کومین تانگ سه‌ا و گفتند که چنانچه دست از عقاید کمونیستی خود برداشتی و در واقع خیانت نماید، از مرگ نجات خواهد یافت. او با وجود آنکه زیر شدیدترین شکنجه‌های وحشتناک پلیس بود، نوشتن توبه‌نامه را رد کرده، پلیس به او گفت: "چنانچه دست از عقاید کمونیستی‌ات برنداری پدر و مادرت را اعدام خواهیم نمود." ولی این تهدیدها موثر نبود. پدر و مادر هولانگ - جن در جلوی روی اوتیوراران شدند. بعد از این واقعه، او چنین گفت: "شما پدر و مادر مرا کشتید، من تنها یک چیز دارم که از دست نداده‌ام: مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر. چیزی که من آماده‌ام برای آن گشته‌ام." و هولانگ - جن تیرباران گردید.

رفیق "ماتوفو" مکرر کمیته ایالتی شانگهای "ا.ج.ک" و سازمانده اعتصاب عمومی کارگران نساجی کارخانه‌های ژاپنی در ایالت "سیندائو" توسط پلیس دستگیر گردید. در زمانیکه در زندان بود شدیداً شکنجه شد. این رفیق نمونه برجسته قهرمانیها و دلوریها بود: در آخر - بن دقیقه پنش از مرگش، او فریاد زد "زنده باد حزب کمونیست و "ا.ج.ک" و پیروزیها و انقلاب سرخ در سراسر چین! مرگ این جنگجویان شجاع انقلاب را از حرکت باز نمی‌ایستاند. هنگام مرگ، آنسان اعتقاد راسخ داشت که جایگاه رفیق "ا.ج.ک" و رفقای جدیدی که با سرافراشته پرچم مبارزه برای ایجاد حکومت

مت سرخ در سراسر چین رابه اهتزاز در آورده اند. خواهند گرفت.

واقعاً هم که چنین است. پرچم مبارزه توسط کارگران جوان، در معادن بکارگماها، کارخانه ها، خطوط راه آهن و دهات برافراشته بوده و جلوه پیش می تازد.

"اتحادیه جوانان کمونیست" در مناطق سفید چین نیز - علیرغم آنکه مزدوران کومین تانگ تلاش فراوانی برای نابودی آن بکار می برند، در حال رشد و گسترش است در عرض یکماه تعداد اعضای سازمان "ا.ج.ک" در معادن ذغال سنگ "مین تادی" (در ایالت هوپئی) به دوازده برابر رسیده است. در کارگاه های نساجی تا - بنگاهای، تعداد اعضای این سازمان سه برابر شده و در ایالت هوپئی تعداد اعضای ۵ تا ۱۰ برابر قبیل رسیده است. ترکیب اجتماعی "اتحادیه جوانان کمونیست" بهتر شده است؛ قبلاً در سازمان های شهری تعداد کارگران جوان بصورت متوسط آن ۵٪ بود، اکنون به ۶۲٪ رسیده است. نیروهای جدیدی وارد جنبش می شوند، بیکارگران شجاع تازه واردی که حاضرند جان خود را فدای مبارزه برای رهائی ملی و اجتماعی خلق چین از بند زاپن، امپریالیسم جهانی و کومین تانگ نمایند. در راه این مبارزه برای پیروزی حکومت سرخ در چین، نه سر نیزه و نه حبس و نه مرگ - هیچکدام نمی تواند شجاعت و قهرمانی این رفقا را درهم شکند.

در شبه های منجوری، جاشیکه دهقانان شورشی اردوگاهایشان را برپا میدارند، اعضای "اتحادیه جوانان کمونیست" گروه های پارتیزان های جوان را سازماندهی کرده و رهبری می نمایند. در یک جنگ پارتیزانی، زمانی که حمله ای به سرزمین اشغالی توسط ارتش زاپن صورت گرفت، ۳۰ دهقان جوان مسلح به هفت تیربطرف دشمن آتش گشودند. زمانی که به آنان گفته شد که نیروهای دشمن از آنان بیشتر است، جواب دادند: "ما کشته می شویم، اما پیش از آن، این لانه ضد انقلاب

را نابود خواهیم کرد". در اولین حمله، رهبری گروه که عضو "ا.ج.ک" بود زخمی بدی برداشت. چند لحظه قبل از مرگش به رفقایش گفت: "این هفت تیر منن است، به دشمن تسلیم نشوید، آنان را نابود سازید!" در طلوع آفتاب زمانی که پارتیزان های جوان بطرف تپه ها می رفتند و جسد ۴ تن از رفقایشان را که در شهر کشته شده بودند با خود حمل می کردند، دیگران این لانه ضد انقلاب را - بسودگرمیده بود. تعداد فراوانی مثال از قهرمانی های کمونیست های جوان چینی وجود دارد که شجاعانه در جهت منافع طبقه کارگر مبارزه کردند، که برای رهائی چین از زیر یوغ امپریالیسم، و کومین تانگ ضد انقلابی مبارزه میکنند که برای پیروزی حکومت سرخ در چین - بیکار میکنند.

### جوانان در مناطق سرخ چین

اکنون به بررسی وضعیت جوانان در مناطقی از چین که در آن حکومت سرخ وجود دارد می پردازیم. در این سیستم جوانان و افراد سالمند به همان اندازه که کار میکنند حقوق دریافت میکنند. استخدام کودکان زیر ۱۴ سال توسط قانون ممنوع شده است. دوران شاگردی کوتاه شده، دستمزدها افزایش یافته، و سیستم خرید و فروش زنان جوان (تو ازدواج نابود گردیده است. شرایط وضعیت سادی کارگران بصورت قابل ملاحظه ای بهتر شده است. میزان پولی که یک کارگر در منطقه سرخ ماهیانه برای غذای بردارد مساوی است با دستمزدها ماهیانه یک دهقان در چین کومین تانگ.

تمام اینها سبب شکل و بسج زحمت کتان چین در مبارزه برای استقرار حکومت سرخ شده است. جوانان که این حکومت را تنها راه نابودی بردگی، فقر و گرسنگی میدانند، سرنوشت خود را با حکومت سرخ گره زده اند. در هفته با مصاحبه "نابودی راهزنان" که توسط کومین تانگ بر - گزار گردید، کمیته مرکزی "ا.ج.ک" دست به فعالیت جدی در دفاع از مناطق سرخ

چین زد. اتحادیه جوانان کمونیست هزاران اعلامیه بر علیه "ششین لشکر - کشی چیان کای چک" انتشار داده و پخش نمود. چند نمونه از شعارهای این اعلامیه ها بدین قرار است: "کارگران کارخانه ها و کارگاهها، اپراتورهای رادیو، دکترها و تکنسین ها: با ا.ج.ک. همگام ارتش سرخ بپیوندید". "مرگ بر کومین تانگ و سیاست تقسیم امپریا - لیستی چین". "دهقانان جوان، یک قران مالیات نپردازید. این مالیات توسط کومین تانگ برای جنگ علیه ارتش سرخ و گشتار کارگران و دهقانان استفاده میشود". "تعمیر انقلابی از ارتش را ساز - مان دهید. کمیته های سربازان تشکیل دهید. افسران ارتجایی خود را بکشید و فرماندهان خود را خودتان انتخاب کنید!" همراه با توده های دهقان، جنگ پارتیزانی را سازمان دهید!" "برای ساختن هواپیمای جوانان" ایالت هوپئی، کمک مالی کنید!". "هر کارگر جوان برای کمک به ارتش سرخ با یستی یک قران بپردازد".

با حمایت فعال توده های وسیع زحمت کتان، لشکر ارتش ضد انقلاب چیان کای چک شکست خورد. اتحادیه جوانان کمونیست در مناطق سفید، چندین بار تظاهرات اعتراضی علیه حضور ششین لشکر چیان کای چک انجام داد. چندین هزار دلار جهت کمک به ارتش سرخ جمع آوری شد:

"یکی از سربازان ارتش سرخ میگوید زمانی که ارتش سرخ به مناطق جدیدی میگذارد، جمعیت زیادی از زحمتکشان به استقبال آن آمده و فریاد میزنند: مرگ بر کومین تانگ و امپریالیستها!، درود بر پیروزی ارتش سرخ!"

"ا.ج.ک" در مناطق سرخ فعالیت های مهمی در رابطه با کمک به حزب و تقویت قدرت ارتش سرخ انجام داده است. برنامه استخدام داوطلب جدید به ارتش سرخ، با استقبال کم نظیری روبرو شده است. در این برنامه، جوانان حدود ۵۰٪ را تشکیل میدهند، و ۲۵٪ کل سرباز -

## برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

انی که جدیداً استخدام شده اند از اعضای "ا.ج.ک" هستند. در چنین شرایط حادی از مبارزه علیه ارتش چیان کای چسبک، اتحادیه جوانان کمونیست این مسئله را طرح نموده بنام "ا.ج.ک" (انتر-ناسیونال جوانان کمونیست) یک لشکر از جوانان در درون ارتش سرخ بوجود آورد. این طرح با استقبال گرم اعضای "ا.ج.ک" و بطور کلی جوانان زحمتکش روبرو شد. در "زوتسین" ۸ گروه از "ا.ج.ک" به لشکر جوانان ارتش سرخ پیوستند. در شهر "نینهوا" گروه کمونیستهای جوان محل در اولین بسیج خود ۲۵ نفر در دومین بار ۱۹۹ نفر را با استخدام این لشکرا از ارتش سرخ در آورده. کلیه هنگهای نمونه گارد سرخ به ارتش سرخ پیوستند. در ناحیه گان جوان (در منطقه کیانسی) ۸۰٪ و در ناحیه "سیاسی" در منطقه فوکین) ۸۸٪ جوانان که شامل زنان جوان میشدند به ارتش سرخ پیوسته و به جبهه رفتند.

زمانیکه لشکر "اتحادیه جوانان کمونیست" تشکیل گردید، فرمانده ارتش سرخ چین در پیام تبریکی به مناسبت چنین طرحی گفت: "شما میبایستی توسط اسلحه و مهماتی که از دشمن به غنیمت میگیرید خود را مسلح نمائید". در اولین نبرد، لشکرنوهای "ا.ج.ک" نمونه های برجسته ای از شجاعت و قهرمانیها را از خود نشان داد. در این جنگ، اسلحه های زیادی از دشمن بدست آورد، و بعد از آن یکی از بهترین واحدهای ارتش سرخ چین گردید. علاوه بر این یک لشکرا از گارد جوانان نیز تشکیل گردید که شجاعانه علیه دشمن به نبرد پرداخت.

کمیته مرکزی "ا.ج.ک" شعار "نیستی از سربازان میبایستی عضو اتحادیه جوانان کمونیست باشند" را طرح نمود. در حول این شعار، کار عظیم سیاسی شروع گردید. رقابت برای کار با کیفیت بهتر در کلیه واحدهای ارتش و در میان جوانان شروع گردید. در حال حاضر در بسیاری از هنگهای ارتش، بیش از نیمی از سربازان از اعضای "ا.ج.ک" هستند. در مناطق سرخ، زنان "ا.ج.ک" نقش مهمی در تحکیم ارتش سرخ داشته اند. این رفقا

به تبلیغات وسیع و همه جانبه ای دست باز کرده اند. شوهران، برادران و دوستان خود را به استخدام ارتش سرخ کارگران و دهقانان در آورده اند. بطور متوسط هر عضو در "ا.ج.ک" در مناطق سرخ چین، شش سرباز جدید را به ارتش سرخ جذب نموده است. اعضای "ا.ج.ک" که پشت جبهه بسر میبرند، نقش فعالی در استحکام و تقویت ارتش سرخ داشته اند. این بعنوان یکی از وظایف جدید آنان است که خانواده های سربازان ارتش سرخ را سرپرستی و نگهداری نمایند، کاردا و طلبی برای درو و کاشت زمینهای زراعی را سازماندهی نمایند، و دائماً افراد خانواده سربازان ارتش سرخ را که روی زمینهایشان کار میکنند کمک نمایند. کودکان و دختران از دسته های برنج جوراب درست میکنند، جوراب میبافند، بیراهن زیروکلاه برای رفقای شان که علیه چیان کای یک می جنگند میبافند. هر عضو "ا.ج.ک" در ایالت "سینگو" یک کیلو ونیم برنج به ارتش سرخ میدهد. در ایالت دیگری، هر فرد عضو "بیشا هنگان جوان" هر کدام ۵ هندوانه به ارتش سرخ هدیه میکنند. ارتش سرخ از این کمکها قدر دانی نموده و یکی از سربازانش - رفیق "وانوتین" در این رابطه چنین میگوید: "حتی خواهر و برادرم هم آنگونه که مردم به خانواده سربازان سرخ کمک میکردند به یکدیگر کمک نمیکنند. من میتوانم علیه دشمن بجنگم و همیشه مطمئن باشم که از پدر و مادر و معلمم نگهداری میشود".

روحیه و رفتارش جاعانه جوانان و بخصوص اعضای "ا.ج.ک" در جنگ از مثال های زیر مشخص میشود:

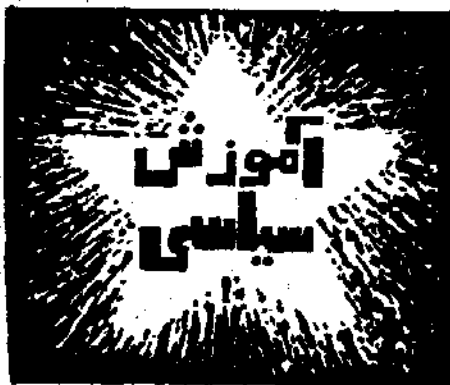
شهبورچی جوان - "لیگن" - در زمان لشکرکشی سربازان ارتش سرخ به "شان هان" که به علت مشکل بودن تسخیر آن بنام "شان هان آهین" مشهور است به بالای دیوار شهر رفته و شهبورخ را بعد از درستی آورد. این عمل باعث ایجاد ترس و وحشت در شهر گردید، لشکر دشمن عقب نشینی نموده و بدین ترتیب ارتش سرخ شهر "شان هان" را تسخیر میکند. "لیگن" درست بعد از این واقعه در جنگ زخمی شد، آخرین کلماتی که بر زبان راند چنین بود: "حال که دارم میمیرم تنها یک آرزو

دارم: پیروزی سریع حکومت سرخ". یک نمونه دیگر از دلواپسیها: پسر بچه ۱۶ ساله ای بنام "سانگ" توسط مزدوران چیان کای چک دستگیر گردید. در طول زمان زندانی شدنش، با شما بکا و تبلیغ و آزیتا سیون در میان سربازان کمونیست تانگ مشغول بود، به نحوی که بعد از دو سال به همراه گروه بزرگی از سربازان کمونیست تانگ و مهمات زیاد به ارتش سرخ پیوست.

در نبردی که در اطراف شهر "نینهوا" در گرفت، زمانیکه لشکر ۵۹ و ۵۲ چیان کای چک توسط ارتش سرخ نابود گردید، بقایای این ارتش به تبه های اطراف شهر فرار کردند. ده تن از اعضای "ا.ج.ک" جهت دستیابی به مهمات و اسلحه بطرف تبه ها روانه شدند. در آنجا با گروه های بی شماری از ارتش سفید ارتجاعی روبرو گردیدند. رفقای "ا.ج.ک" خود را بناگذاشتند، وانمود کردند که نارنجک داشته و آماده حمله اند. وبه دشمن دستور دادند که تسلیم شود. یک ضرب المثل چینی میگوید "ترس انسان را متوجه خطر میکند". سربازان سفید آنچنان ترسیده بودند که فکر میکردند این گروه جوانان پیشا هنگ یک ارتش سرخ بسیار قوی هستند، از این جهت کلیه مهمات و اسلحه های شان را به ده سرباز جوان ارتش سرخ تسلیم نمودند. رفقای ما بعد از تحویل گرفتن اسلحه، به آنها در رابطه با حکومت سرخ و دلایل آن در چین توضیح دادند. نتیجه چنین کاری این بود که کمونیستهای جوان ما تمامی گروهی از ارتش سفید را به صفوف ارتش سرخ جلب نمودند.

یک نمونه دیگر: ارتش ضد انقلاب به داخل سنگرامده بود و بدین ترتیب برای هنگ ما نزدیک شدن به شهر غیر ممکن بود. سنگرهای اطراف شهر بموروسی بنا شده بودند که با نابودی یک سنگرامکان تسخیر شهر وجود داشت. یک گروه قوی ۱۵۰ نفری جوانان کمونیست تصمیم به تیراندازی گرفته و قصد تسخیر شهر را نمودند. از ارتفاع ده متری زیر آتش مسلسل، رفقای جوان ما شروع به پیشروی نمودند، هت از فرماندهان این گروه کشته شده و ۵ بار فرمانده شان تغییر کرد. ولی گروه به پیشروی خویش بقیه در صفحه ۱۸





تفاهد های بین خود نبوده و نمیتوانند با هم کاملاً متحد شوند؟

بی شک علت این امر به موقعیت طبقه بورژوازی در امر تولید بر میگردد. رابطه سرمایه داران با تولید تعیین میکند که چرا این همه تفاهد بین آنها موجود است. یک سرمایه دار چرا دست بتولید میزند؟ دقیقاً به این خاطر که سود به دست آورد. حال حساب کنید هنگامی که این همه سرمایه دار برای سود هر چه بیشتر بتولید بپردازند، چگونه ممکن است میانشان بر سر سود بیشتر رقابت در تکبیر. اصل رقابت اصلی است که همواره بین سرمایه داران عمل میکند و اینجاست که علت واقعی تفاهد بین سرمایه داران مختلف روشن میشود. تفاهدی که هرگز نمیتواند بر طرف شود. به این دلیل نیز هست که بورژوازی علیرغم اینکه در مقابل پرولتاریا متحد است، لیکن خود در درون خویش بر اختلاف و تفاهد است. خرده بورژوازی هم یک چنین خصوصیتی دارد. خرده بورژوازی اساساً یک طبقه نیست. به اقتضای گوناگون تقسیم میشود که منافع جداگانه ای دارند. هر قدر خرده بورژوا به منافع فردی خود میاندیشد و ... و به همین دلایل، خرده بورژوازی نیز در میان خویش آکنده از تفاهد های گوناگون است.

بورژوازی که خود فاقد وحدت درونی است، همواره سعی میکند تا پرولتاریا را نیز از وحدت درونی خویش محروم نماید. به همین دلیل تبلیغات وسیعی بسراه میاندازد و در آن سعی میکند تا کارگر

# انترناسیونالیسم پرولتری چیست؟ (۱)



نظر بگیریم. آیا تا کنون اندیشه ایست که چرا بین سرمایه داران مختلف این همه اختلاف است؟ بین سرمایه داران یک کشور، بین سرمایه داران کشورهای مختلف و کلاً میان تمامی سرمایه داران جهان چرا این همه تفاهد موجود است؟ چرا بورژوازی های جهان هزار چنگا می بجان هم میافتند و جنگ های عظیم ارتجاعی را برای میاندازند؟ چرا میان رژیم های سرمایه داری آمریکا و شوروی، ایران و عراق و ... این همه اختلاف است؟ علت اختلاف بین لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی در همین ایران خودمان چیست؟ و چرا سرمایه داران هرگز قادر به رفع



" کارگران جهان متحد شوید! " این شعار است که مارکس و انگلس - آموزگاران کبیر پرولتاریا، در بیان مانیفست کمونیست خویش نگاشته اند. شعاری که از آن پس همواره پر زبان هر کمونیست و هر کارگر آگاهی جاری بوده است. شعاری که در یک کلام بیانگر انترناسیونالیسم پرولتری یا همبستگی بین المللی کارگران جهان است. اما انترناسیونالیسم پرولتری یعنی چه و همبستگی کارگران جهان چه مفهومی دارد؟

پرولتاریا در جهان طبقه واحدی را تشکیل میدهد. این امر اساس همبستگی تمامی کارگران جهان است. کارگران جهان، همگی دارای دشمنی مشترک، هدفی مشترک و منافع یکسان هستند. کارگران سراسر جهان سرمایه داری توسط بورژوازی و به شیوه ای یکسان استثمار میشوند. هیچکدامشان چیزی برای از دست دادن ندارند و همگی در نابودی سرمایه داری و راهی خویش متفقند. مرزهای جغرافیایی، ملی، نژادی، زبانی و ... آنها را از هم جدا نمیکند و در مقابل هم قرار نمیدهند. کارگران از هر ملیتی که باشند، متعلق به هر نژادی که باشند، رنگ پوستشان هر چه باشد، به زبانی که صحبت کنند، هیچگونه تفاهدی بین خود ندارند (۱) حال آنکه سایر طبقات اجتماعی یک چنین وضعیتی ندارند. بورژوازی را در

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

ایرانی را از کارگزاران آمریکایی، کارگران مسلمان را از غیرمسلمان، کارگرفیسده بهیوست را از کارگرسبا بهیوست و... جدا سازد. او میخواهد با فریب کارگران میان آنها تفرقه انداخته ورود روی بکدی بگیرد. اما رهبران پرولتاریه - یای جهان سالها پیش در قرن نوزدهم با اعلام اینکه "کارگران مهین ندارند" دروغهای شیدانه بورژوازی را که سعی بر آن داشت تا کارگران را بدام مهین - بهستی بورژوایی اندازد، افشا کرد و نشان دادند که برخلاف باوه گویی های بورژوازی مبنی بر اینکه تعلقات ملی و نژادی و مذهبی و... کارگران را از هم جدا میکند، کارگران هیچ اختلاف طبقاتی میان خود نداشته و در سطح جهانی طبقه واحدی را تشکیل میدهند. دشمن مشترکشان سرمایه داری جهانی و هدف مشترکشان نابودی آن و استقرار سوسیالیسم است و برای اینکه به چنین هدفی دست یابند، باید متحد شوند.

انترناسیونالیسم پرولتری دقیقاً بیانگر یک چنین مفهومی است. انتر-ناسیونالیسم پرولتری آن اطلاعاتی است که پرولتاریا همواره بایستی در روابط متقابل خود مدنظر داشته و با حرکت از آن سیاستهای جهانی خویش را تعیین نماید.

در تاریخ جنبش کارگری جهان ما هم چنین شاهد تشکیل سه انترناسیونال توسط مارکس، انگلس، لنین هستیم که میتوان آنها را در واقع جسم تشکیلاتی انترناسیونالیسم پرولتری بصباب آورد. آموزگاران پرولتاریا با حرکت از این اصل که طبقه کارگر طبقه ای جهانی است و در مبارزه بر علیه دشمن مشترک خود باید متحد بوده و با اراده واحد عمل نماید، ضرورت چنین تشکیلاتی را در سطح جهانی درک کردند و به تاسیس ۲ انترناسیونال پرداختند. کمینترن (انترناسیونال سوم) که بدنبال درغلتیدن انترناسیونال ۲ به منجانب اپورتونیسیم و سوسیال شوینیسیم توسط لنین و بلشویکها پایه گذاری شد، وظیفه داشت که مبارزه پرولتاریا را در عرصه جهانی رهبری کند و با تدوین استراتژی و تاکتیک جهانی طبقه کارگر، تعرض هر چه کوبنده تری را

بر علیه بورژوازی سازمان دهد. منسلاً در دوران جنگ دوم جهانی، کمینترن برای مقابله با فاشیسم و خطر جنگ تمام کمونیستهای جهان را حول خط مشی واحدی بسیج کرده به مقابله متحدانه با فاشیسم پرداخت.

حال که با مفاهیم بالا آشنا شدیم، ببینیم لنین انترناسیونالیسم پرولتری را چگونه تعریف میکند.

"انترناسیونالیسم در کردار - یکی و فقط یکی است و آنهم کار بهیودریخ در راه توسعه جنبش انقلابی و مبارزه انقلابی در کشور خویش و پشتیبانی (از راه تبلیغات و همدردی و کمک مادی) از این مبارزه و این خط مشی و فقط این خط مشی، بدون استثنا در تمام کشورهاست." (مجموعه آثار و مقالات - ص ۴۴۴ - تاکید از خسود لنین است)

تعریفی که از لنین خواندید، دقیقاً منطبق بر توضیحاتی است که ما در بالا دادیم. اگر قبول داریم که همبستگی کارگران جهان اصلی است حاکم بر روابط متقابل کارگران، روشن است که این همبستگی نمیتواند بشکل انواع کمکها و مساعدتها متجلی نشود. بویژه آنکه مبارزه کارگران جهان پیروز نخواهد شد مگر به انکاء مف واحد و متحدشان در مقابل سرمایه. مبارزه کارگران در فلان پایمان کشور مشخص نمیتواند به پیروزی برسد، مگر اینکه این مبارزه مورد حمایت و مساعدت کارگران سایر کشورها نیز قرار گیرد. مثلاً انقلاب سوسیالیستی در روسیه پیروز نمیشد، اگر شرایط مساعد خارجی و بویژه جنبش انقلابی پرولتری در سایر کشورها به آن یاری نمیرساند. علت این امر نیز آنست که اگرچه عامل داخلی (مبارزه پرو-لناریا و زحمتکشان خود یک کشور) اساسی تحول انقلابی در آن کشور را تشکیل میدهد و بدون این مبارزه سختی هم از انقلاب نوده ها نمیتواند در میان باشد، لیکن عامل خارجی (بطور عمده همبستگی سایر کارگران و زحمتکشان جهان) نیز نقش شرط تحول را در کشور مغروض تشکیل میدهد و بدون یک منسله شرایط مساعد جهانی، پیروزی انقلاب در یک کشور معین امکان ناپذیر خواهد بود.

دیدیم که لنین وظیفه انترناسیونال

لیستی پرولتاریا را به دو بخش جدایی ناپذیر تقسیم کرد. لازمست تا به توضیح مفصلتر هر یک از این دو بخش بپردازیم.

انترناسیونالیسم پرولتری از یکسو عبارتست از "کار بهیودریخ در راه توسعه جنبش انقلابی و مبارزه انقلابی در کشور خویش"

پس توسعه انقلاب در یک کشور معین، خود بخشی از وظیفه انترناسیونالیستی پرولتاریا را تشکیل میدهد. چرا که این مبارزه بطور غیر مستقیم در مبارزه سایر کارگران جهان تاثیر گذارده و به آن کمک میرساند. علت این امر روشن است. سرمایه داری و امپریالیسم پدیدده ای جهانی است. هر ضربه ای به آن در هر نقطه جهان که وی را تضعیف نماید، کل سیستم امپریالیسم جهانی را تضعیف نموده است و بنا بر این اهمیتش فراتر از دایره همان نقطه معین بوده و به امر انقلاب جهانی پرولتاریایی کمک میرساند. مثلاً جنگ خلق قهرمان و پهننام بر علیه امپریالیستهای آمریکایی را در نظر بگیرید. این جنگ به قوای امپریالیسم ضربه سختی وارد آورد، چهره کریه او را در پیش چشم توده ها آشکار نمود و زحمتکشان جهان و منجمله آمریکا را به مبارزه بر علیه رژیم امپریالیستی این کشور برانگیخت. یعنی گسترش انقلاب خلق و پهننام در گسترش مبارزه توده ها در سطح جهان تاثیر گذاشت.

اما این تمامی وظیفه انترناسیونال لیستی پرولتاریا نیست.

از سوی دیگر وظیفه انترناسیونالیستی پرولتاریا عبارتست از: "پشتیبانی (از راه تبلیغات، همدردی و کمک مادی) از این مبارزه و این خط مشی و فقط این خط مشی، بدون استثنا در تمام کشورها". بنا بر این وظیفه انترناسیونالیستی پرولتاریا فقط محدود به این نخواهد بود که در هر کشور، چنان خوبتر روی آنچه در دنیا میگذرد بیند، مثل کپسک سردر برف فرو کند و انگار نه انگار که در جهان مبارزه طبقاتی و انقلابی وجود دارد، مشغول کار خود و انقلاب خود باشد. برعکس پرولتاریای هر کشور نه تنها باید چنین کند، یعنی آتش از مبارزه در راه

# صدای رسای چک سرخ انقلاب مزدوران جمهوری اسلامی را خنک کرد

در تاریخ ۶۰/۲/۲۳ به اتفاق یکدیگر از رفقا برای فروش نشریه به خیابان ... رفتیم. در ساعت ۳ فروش را آغاز نمودیم. رفیق با مسئول فروش چند نشریه بدست گرفته و مشغول تبلیغ و فروش نشریه شد. هنوز چند لحظه ای نگذشته بود که فالانژی بسوی رفیق هجوم برد و یکی از نشریه ها را پاره نمود. رفیق همان نشریه پاره شده را بالا برد و با روحیه محکمی فریاد زد: بیچاره ارگان سازمان بیچاره در راه آزادی طبقه کارگر، بیچاره شماره ۱۰۵ مردم پامنا هده نشریه پاره شده بدور رفیق جمع شده و علت پاره شدن نشریه را از رفیق سؤال مینمودند. او ضمن فروش برای آنها توفیج میداد. همان نشریه پاره شده را مردی که سخت تحت تاثیر قرار گرفته بود خرید و نشریه بعدی را نیز فالانژی که از عکس العمل مثبت مردم شدیداً عصبانی شده بود پاره کرد. رفیق به کتار خیابان آمده و با روحیه مصمم تری شروع به فروش نشریه نمود و چندتن از فالانژها گردا و جمع شده و یکی از آنها مثبت محکمی بصورت رفیق زد و در مقابل رفیق نشریه را بالا برد و با عداوتی رساتری فریاد زد: بیچاره شماره ۱۰۵ مردم شدیداً تحت تاثیر قرار گرفته بودند به طوری که فالانژها دیگر جرات ننمودند که نزدیک آن محل شوند و تمام نشریه ها در همان چند لحظه فروش رفت و بحث مفصلی بین مردم در گرفت.

برخیزند و بر شرایط محاصره سرمایه داری از هرگونه کمکی به آن در بیخ نوزند. بعنوان مثال در جنگ دوم جهانی، هنگامی که فاشیستهای هیتلری به اتحاد شوروی هجوم آوردند، تمامی کمونیستهای جهان بدفاع از میهن کارگران، اتحاد شوروی بلند شدند. و با هم اکنون کارگران و

جهان بود. از آن زمان تا کنون هر چند حوادث بی شماری بوقوع پیوسته است و بخش اعظم از دوگانه کشورهای سوسیالیستی بدامان سرمایه داری بازگشت نموده با سرمایه ایسم همچنان در جهان موجود است و مظهر آن تا چند سال پیش چین و اینک آلبانی بشمار میزود. هم اکنون جمهوری توده ای آلبانی سوسیالیستی میهن همه کارگران جهان است.

انترناسیونالیسم پرولتری در پیوسته روابط بین کشورهای سوسیالیستی با جنبشهای انقلابی جهان نیز در اساس، همان اصول بر شمرده در بالایت، یک کشور سوسیالیستی که در آن پرولتاریا در حاکمیت است، هنگامیکه خود انقلاب را در کشور خود به پیش میبرد و به ساختمان سوسیالیسم ادامه میدهد، بخشی از وظیفه انترناسیونالیستی خود را انجام میدهد. اما وظیفه انترناسیونالیستی یک کشور سوسیالیستی به این ختم نمیشود. یک کشور سوسیالیستی باید با تمام امکانات خویش دست به پشتیبانی مادی و معنوی از جنبشهای انقلابی جهان بزند. از سال ۱۹۱۷ گرفته تا تبلیغات به نفع این جنبشها، تربیت کارهای کمونیست برای این کشورها و... یک کشور سوسیالیستی باید احزاب و سازمانها سوسیالیستی جهان را مورد حمایت خویش قرار داده و آنان را تقویت نماید و دهها و دهها وظیفه دیگر که بر عهده یک کشور سوسیالیستی قرار دارد. (۲) بعنوان مثال در شوروی در دوران حکومت دیکتاتوری کارگری این کشور همه گونه کمکهای مادی و معنوی در اختیار جنبشهای انقلابی جهان قرار میداد. در دهه ۲۰ نشکاهای کمونیستی این کشور، کارهای کمونیست کشورهای دیگر پرورش می یافتند و روانه کشورهای خود میشدند و... البته روشن است که هر انقلابی اساساً کار توده های خود آن کشور است و کشور سوسیالیستی تنها میتواند نقش کمکی ایفا نماید.

همچنین برعکس انقلابیون کمونیست و کارگران سراسر جهان وظیفه دارند که از کشورهای سوسیالیستی بدفاع

گسترش انقلاب در کشور خود دست نکشد، بلکه بایستی با تمام قوا در پی گسترش این انقلاب در سطح جهان باشد. باید بدون استثنا در تمام کشورها از این مبارزه پشتیبانی نماید و این پشتیبانی نیز شامل دین و مذهب، مادی و معنوی (تبلیغات، همدردی و کمک مادی) میباشد. فقط و فقط در یک چنین صورتی است که پرولتاریای هر کشور به وظیفه انترناسیونالیستی خویش در قبال سایر کارگران جهان و سایر انقلابات عمل کرده است.

کمونیستهای بیگنای ایران که بگانه مدافعین بیگنای پرولتاریا بشمار میروند هرگز وظیفه انترناسیونالیستی خود را از یاد ندیده اند. کمونیستهای بیگنای ضمن آنکه وظیفه نخستین انترناسیونالیستی خویش را انجام داده و با تمام توان خویش در راه گسترش انقلاب ایران مبارزه میکنند، هرگز بخش دیگر وظیفه انترناسیونالیستی خود را از یاد نبرده اند. حمایت از جنبشهای انقلابی در سطح جهان، افشاکاری امپریالیسم و ارتجاع در سطح منطقه و جهان و تکیه کمکهای مادی از جمله شرکت در جنبه های جنگ فلسطین و فلان و جلهوهای از همبستگی کارگران و زحمتکشان ایران با زحمتکشان جهان است.

اما آنچه که ما تا کنون گفتیم مربوط است به دورانی که هیچ کشور سوسیالیستی ای در جهان موجود نبوده و همه سوسیالیستها بورژوازی حاکم است. بصارت دیگر دورانی که کارگران میهن ندارند لیکن اکنون وضع بدین گونه نیست. از زمانی که انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه به پیروزی رسید و کارگران روسیه، دیکتاتوری پرولتاریا را در کشور خود برپا نمودند، یعنی از زمانی که سوسیالیسم در جهان پایه عرصه وجود نهاد، این کشور به میهن پرولتاریای جهان بدل گشت. (هر چند که بعدها با ردیگر سرمایه داری در این کشور احیاء شده و آنرا به سوسیالیسم امپریالیسم بدل ساخت). اتحاد شوروی دیگر میهن تمامی کارگران

## زنده باد سوسیالیسم!

### فرار از جنگال مزدوران رژیم به یاری توده‌ها

را مجبور کردند که مرا به کمیته راه آهن ببرند و نفرشان هم با ما آمدند. در طول راه من که مطمئن شده بودم به کمیته خواهم رفت این بود که شروع به داد و قال کردم و حتی در ماشین را با زخمی کردم که به پیروان بهرم ولی موفق نشدم و سپس فرمان ماشین را گرفته و بزور چراغندم و با این حرکت من پیگان از حرکت عادی خود منحرف شد ولی فالانزها دستهای مرا بزور گرفته و مرا مجبور نمودند که عملاً بی حرکت باقی بمانم.

پس از چند دقیقه به مقابل کمیته رسیدیم یکی از فالانزها پیشنها کرد که مرا قب من با شتاب میگری یکی از افراد کمیته را برای بردن من به آنجا بیاورد. همینکه آن مرد فالانز از ماشین بیاده شد، مرد دیگری که بعداً معلوم شد در شام این مدت نقشش فالانز را بازی میکرده تا برانجات دهد به راننده گفت حرکت کن و این خانم را هم با خودت ببر و دوشن از مسافرین ماشین نیز با این حرکت موافقت کرده و راننده نیز حرکت کرد و چوندا بستگاه بعد مرا پیاده کرده و بر ایام آرزوی موفقیت کرد و من نیز با روحیه خیلی خوبی بطرف مقصد حرکت نمودم. از اینکه توان نشسته بودم با کمک مردم از دست مزدوران ارتجاع نجات پیدا کنم خیلی خوشحال بودم.

برای بخش تراکت "را دیومدای بیکار" به غلبا با ن جوانه رفته بودیم، من مسئول بخش تراکتها بودم، حدود نیمی از تراکتها را بخش کرده بودیم که فالانزی بمن نزدیک شده و چندتا از آنها را با ره کرد و سپس شروع به فحش و تازی کرد و ضمن داد و قال مرا به سوی خیابان گشتاند و مرا راضی داشتند که مرا به کمیته ببرند، در این ضمن دهها نفر در اطرافمان گرد آمده و شروع به بحث و گفتگو کردند مردم عکس العملهای متفاوتی نسبت به این جریان داشتند، عده ای کاملاً با بردن من به کمیته موافق بودند و با فحش و تازی مخالفان را با ابراز می نمودند و عده دیگری نسبت به بخش تراکتها چندان موافقتی نداشتند و لیبی خواستار رها کردن من از دست فالانزها بودند و حتی عکس العملهای شدیدی نسبت به فالانزها نشان میدادند و کاملاً مشخصی بود که این جریان تا شیراز می درآید داشته است، عده دیگری نیز با دفاع کامل از من و بخش تراکتها شدیداً با فالانزها درگیر شده بودند و تلاش شدیدی در جهت آزاد نمودن من میکردند. خلاصه بعد از مدتی درگیری، یک ماشین پیگان که چند نفر داخل آن بودند در آنجا توقف کرد و فالانزها که فرست را مشتقمشمرده بودند مرا به زور سوار ماشین کرده و راننده ماشین

کمونستهای سازمانها و طبقه دارانند که از البانی سوسیالیستی، به عنوان یگانگانه کشور سوسیالیستی جهان و سنگ پرولتاریه با ی دنیا که زنده بود در مجامع سرمایه داری و ارتجاع جهانی قرار گرفته است حمایت کرده و او را یاری دهند.

حال که معنی انترناسیونالیسم را بهتر شناختیم، لازمست ببینیم که روی سوسیالیست های خائن خروشچی چگونه به اصل انترناسیونالیسم پرولتاری نبرخیانست روزیده و بجای آن سیاست ستیزی امپریالیستی را نشان داده اند (۳).

همانطور که در بالاترین دایم، انترناسیونالیسم پرولتاری اصلی ترین رابطه میان کشورهای سوسیالیستی با جنبش های پرولتاری و انقلابی بشمار میرود و روابط طبقه کار میان این نیروها قبل از هر چیز بر مبنای آن تعیین میشود این اصلی است که لنین همواره بر آن تأکید میورزید. اما لنین در همان زمان نیز میگفت که از آنجا شیکه تکامل سرمایه داری در همه کشورها بطور موزون صورت نمیگیرد، امکان اینکه انقلاب سوسیالیستی در تمام کشورها در آن واحد پیروزی ببرد، بسیار اندک بوده و بر عکس به احتمال زیاد انقلاب سوسیالیستی ابتدا در یک یا چند کشور جداگانه به پیروزی رسیده و سپس به سایر کشورها بسط خواهد یافت.

با این دلیل لنین نشان داد که کشور سوسیالیستی ناچار است برای مدتها در کنار کشورهای سرمایه داری زندگی کند و بیکبار همه آنها را نمیتواند از میان بردارد. از اینها و به ضرورت برقراری روابط مبتنی بر همزیستی مساومت آمیز با کشورهای سرمایه داری رسید. بدین شکل که کشورهایی با نظامهای اجتماعی متفاوت در کنار یکدیگر بطور مساومت آمیز بسر برند اما آنچه که لنین و کمونیستها همواره بر آن تأکید کرده اند آن است که همزیستی مساومت آمیز در درجات بعدی اهمیت برای سیاست خارجی یک کشور سوسیالیستی قرار داده و اصل اولیه سیاست خارجی یک کشور سوسیالیستی انترناسیونالیسم پرولتاری است.

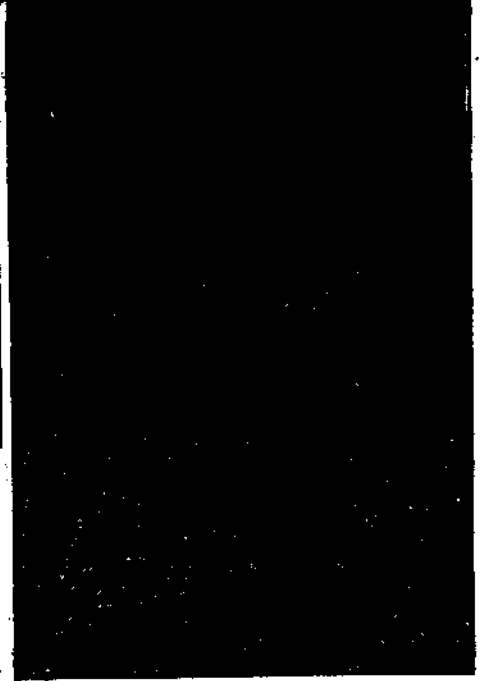
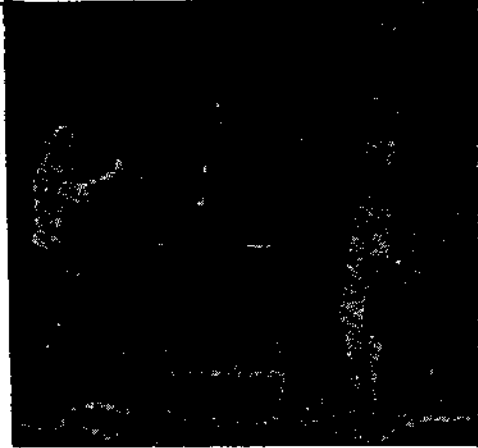
روزی سوسیالیستهای خائن خروشچی در این اصول تجدید نظر کرده اند. آنها "بلا مؤش" "بهردن انترناسیونالیسم

خروشچ مرتداً بهترین جریان میگفت: "هر جنگ محلی کوچکی میتواند حرکتی برای افروختن آتش جنگ جهانی باشد... ما (یعنی آمریکا و شوروی) نیرومندترین کشورهای جهان هستیم و اگر ما بخاطر صلح متحد شویم آنوقت جنگ وجود نخواهد داشت و آنوقت اگر دیوانه‌های جنگ بفخوا هدیرای ما کافی خواهد بود که با انگشت خود روی او گشتار دهیم تا سر جای خود بنشیند" (بمنقل از ۹ تفسیر - مقاله دوطرفه در مسأله جنگ و صلح)

نتیجه منطقی یک چنین سیاست خائنانده ای عبارت بود از مخالفت با مبارزات طبقه در صفحه ۱۴

پرولتاری، "همزیستی مساومت آمیز" را نخستین و یگانگانه اصل سیاست خارجی خویش قرار دادند. خروشچ میگفت که "همزیستی مساومت آمیز را خط مشی اصلی سیاست خارجی اتحاد شوروی و کلبه کشور های اردوگاه سوسیالیستی می شمارد" (بمنقل از دوتوع سیاست همزیستی مساومت آمیز بکلی متغی - ششمین تفسیر از ۹ تفسیر حزب کمونیست چین)

آنان تحت عنوان "اجتناب از خطر جنگ جهانی و بمب اتمی"، از حمایت از مبارزه انقلابی کارگران و زحمتکشان دست کشیده و به ساخت و پخت با امپریالیستهای غربی بر علیه انقلاب سوسیالیسم پرداختند



# در روز جهانی کودک (۱۱ خرداد)

ویتنام

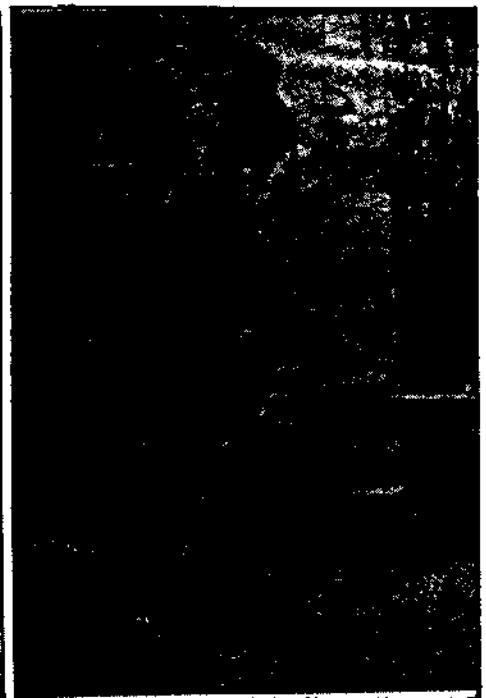
ایران

## تفنگ‌هایمان را محکم‌تر و با ایمان‌تر بسویت نشانه‌می‌گیریم

کردستان ایران

# سرمایه‌داری

فلسطین



## مبارزه یا امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

### فرج اطمینی، هم‌رزم انقلابی، راهت ادامه دارد

سندج دیپارتمان هشتم اسفند

در این دبیرستان نیز مانند سایر دبیرستانها بهمناسبت سالگرد شهادت فرج اطمینی محفل دبیرستان مستوره که در جنگ مقاومت سندج بدست مزدوران ارتجاع شهید شد مراسم برگزار شد. این حرکت با دادن شعار از مدرسه شروع شد و به بیرون از مدرسه کشیده شد. سرود "بی ناوی نبوده همدوی و تن شیون و گرین، نامرن نه دان و ناله دلی میلیله تا شه زین" و شعار "فرج اطمینی، هم‌رزم انقلابی، راهت ادامه دارد" هرگز بی جنبش مقاومتی خلگی کورد" و... در خیابان طنین انداز شد. پاسداران ارتجاع که محوطه را محاصره کرده بودند در نزدیکیهای میدان آزادی شروع به تیراندازی و پرتاب گاز اشک‌آور به میان دانش‌آموزان انقلابی کردند. دانش‌آموزان از محل متفرق شدند. در میان کوچه‌ها مردم درهای خانه‌ها را بروی دانش‌آموزان باز کرده آنها را پناه می‌دادند.

پاسداران ارتجاع، با کتک زدن صاحب خانه‌ها، محصلین را از بردست آنها بیرون میکشیدند. آنها بالاخره موفق به دستگیری چند دانش‌آموز انقلابی شدند که از وضع آنها اطلاعی در دست نیست.



## تحصن دانشجویان انقلابی و کمونیست ایرانی در اطریش

جمهوری اسلامی و نیز فاشاها و اردو در دانشجویان انقلابی در خارج از کشور در روز دوشنبه ۱۹۸۱/۵/۲ در ساعت ۲:۰۹ دقیقه اقدام به تحصن در سفارت جمهوری اسلامی در وین می‌نمایند. کارگزاران رژیم جمهوری اسلامی به همراه پلیس فاشیست اطریش محل تحصن را محاصره میکنند و از پیوستن دیگر دانش‌جویان انقلابی به تحصن جلوگیری می‌کنند. بهمین دلیل از فردای آن‌روز پس از خواندن قطعنامه‌ای در سفارت محل تحصن را به "ÖH" انتقال میدهند. هم‌زمان با این اقدام و برای انعکاس هرچه بیشتر این برنامه، ضمن برگزاری مطایبه مطبوعاتی و رادیویی و... به پخش اعلامیه، مبارزات می‌ورزند. همین رابطه بولتنی نیز انتشار داده اند که پیامهای پشتیبانی نیروهای انقلابی و گزارش این برنامه و... را در آن ذکر نموده‌اند. تا زمان گزارش مراسم، تحصن ادامه دارد.

مبارزات دانشجویان انقلابی و کمونیست در خارج از کشور، همواره نقش خوبی در انعکاس مبارزات قهرمانانه کارگران و زحمتکشان میهنمان علیه سرمایه‌داری و وابسته رژیم سیاسی حافظ آن چه در دوران حاکمیت رژیم شاه جلا داده در زمان حکومت تنگین جمهوری اسلامی داشته است. اکنون نیز بخوبی می‌بینیم که دانشجویان انقلابی و کمونیست در کشورهای اروپا، آسی و آمریکا بی‌چگونه فریادهای کثیف باقی ماندگان زباله دانی سلطنت پهلوی را خفه کرده و قریباً در سایه کارگران و زحمتکشان را انعکاس میدهند. از جمله حرکات دانشجویان مبارز خارج از کشور، تحصن آنان بدست "شورای هماهنگی دانشجویان مقیم اطریش در سفارت جمهوری اسلامی در وین" میباشد. بمنظور اعتراض نسبت به توطئه تعطیل دانشگاهها و سرکوبها و کشتارهای رژیم



طبقه از صفحه ۱۱ انقلابی و زحمتکشان و در عوض همکاری با رژیمهای ارتجاعی فاشیستی. بعنوان مثال در همان زمانیکه سوسال امپریالیستیهای روس از ارسال اسلحه برای انقلابیون ویتنام خودداری میکردند، اسلحه در اختیار رژیم جنایتکار شاه قرار میدادند. در همان زمان که انقلابیون فلسطینی در حال کسب پیروزیهای پی در پی در لبنان بودند، با ارسال اسلحه به رژیم ارتجاعی سوریه و حمایت از کشتار فلسطینی‌ها در لبنان و تل زعتر توسط این رژیم بزرگترین خیانت را به جنبش خلق فلسطین کردند و...

۱) ممکن است در اینجا عده‌ای از ما بپرسند پس وجود قشری بنا ما شرافیت کارگری که توسط بورژوازی خریدار شده اند به چه معناست؟ دریا سخا پندسته از رفقا با بدگفت که شرافیت کارگری از آنجایی که عامل بورژوازی بوده و توسط او خریدار شده است، دیگر نه "جز" پرولتاریا بلکه بخشی از بورژوازی محسوب میشود و وجود چنین قشری خللی در وحدت طبقه کارگر پدید نمی‌آورد. ۲) با این توضیحات روشن میشود که هنگامی که آلبانی سوسیالیستی بجای پشتیبانی از احزاب و سازمانهای واقعا

"بحث خیابانی" که از جنبش انقلابی سالهای ۵۷ - ۵۶ بعنوان سنتی انقلابی باقی مانده است بر بستر جنبش اوچکیرنده شده‌ای همچنان با برجاست. در طول دو سال گذشته اکثراً حلقه‌های بهم‌فشارده بحث خیابانی توده‌هایی از صحنه‌های جالب در هر گوشه شهرها - خیابانها - چهارراهها و میدا‌نها بوده‌اند که بسیار گراحت سبت و توجه بیش از پیش توده‌ها به سرنوشت سیاسی آنها میباشد. حلقه‌های بهم‌فشارده‌ای که ساعت‌های متوالی همچنان در گوشه‌های پارکها مانده و هر آن بزرگ و بزرگتر شده، حلقه‌های نوپنی را از خود جدا کرده و با زها تا پاسی از شب آنها درگرمای نیمروزهای تابستان، یاد در زیر باران و برف همچنان فشرده‌گی خود را حفظ کرده‌اند. حلقه‌های بهم‌فشارده‌سی‌ای که محل رد و بدل شدن بیشترین کلمات و جملات سیاسی بوده‌اند و کلمات رزیم - انقلاب - جنگ - دانشگاه - گرونی - لیبرالها - کمونیستها - حزبها و... بیش از هر چیز در آنها تکرار شده است. از آنجا که شرکت فعال در چنین بحثهایی در طول دو سال گذشته در دستور کار ما بوده و امروز نیز بعنوان یکی از محورهای تبلیغ توده‌ای ما در طول تابستان قرار گرفته است در اینجا میکوشیم تا هر چه بیشتر به توضیح ویژگیهای این شیوه تبلیغ توده‌ای؟ مسائلی که در آن باید رعایت گردد پرداخته و تجاربی را که در طی این دوره بدست آورده‌ایم جمع‌بندی کنیم. باشد که اینکار بتواند در ارتقاء کیفیت بحثهای خیابانی و موفقیت بیشتر فعالیت تبلیغ در پیشبرد بحث شرکت داشته و یاری رساند:

اگر می‌پذیریم که تبلیغ اصلی ترین فعالیت ما کمونیستها را تشکیل میدهد، بنا بر این جمع‌بندی از دستاوردها و انحرافات در این عرصه و ارائه نمودن برای پیشبرد هر چه بهتر آن باید جای ویژه‌ای در نظریه ما داشته باشد. ما از این پس میکوشیم تا تجارب تشکیلاتمان را در عرصه‌های مختلف فعالیت تبلیغاتی از طریق نشریه‌مان، در اختیار شما می‌رقتا قرار دهیم. روشن است که شرکت هر چه

## بحثهای خیابانی و مبلغین ما

فعالتر و فکار انتقال تجاربتان به تحریریه کنگ فراوانی در این زمینه به ما می‌کنند. در این شماره نشریه بحث خیابانی که یکی از عرصه‌های مهم فعالیت تبلیغاتی ما را تشکیل میدهد را مورد بررسی قرار داده و برپارهای جنبه‌های اساسی آن تامل کرده و میکوشیم آنرا بهتر بشکافیم.

تبلیغ نظریات کمونیستی در بین توده‌ها اساسی ترین فعالیت ما را تشکیل میدهد. انتشار اعلامیه‌ها و تراکتها، نشریات مختلف سازمانی، کارخانه‌ای، مدرسه‌ای و... بحثهای خیابانی، سخنرانی، نمایشگاههای دیواری، تئاتر و... همه و همه اشکال مختلف کار تبلیغاتی ما را تشکیل میدهند. شما می‌این فعالیتها اگرچه تکنیکهای مختلف کار تبلیغی هستند ولی هر یک دارای ویژگی و مشخصات خاصی میباشد. مثلا برخی از فعالیتهای تبلیغی قدرت جذب کنندگی توده‌ای بیشتری دارند برخی از فعالیتهای تبلیغی بیشتر مورد توجه توده‌های پیشرو قرار میگیرند و برخی دیگر عمدتاً توده‌های متوسط را مدنظر خویش دارند و...

بنا بر این ما باید با تشخیص ویژگیهای هر یک از اشکال تبلیغ، علاوه بر خصوصیات عمومی تبلیغ بحثی موثر تر و بهتری آن شیوه تبلیغاتی را پیش ببریم.

در بحث پیرامون بحثهای خیابانی هم باید نشان داد که علاوه بر جنبه‌های عام کار تبلیغی، این شکل مسین فعالیت تبلیغاتی عمدتاً کدام توده‌ها را در پیش روی خود دارند؟ چه ویژگیهایی دارد؟ از این ویژگیها چه استفاده‌ای باید کرد؟

رفیق لنین در کتاب "گرایش فکریاتی در سوسال دمکراسی"، در بحث پیرامون "تبلیغ اختصامی" به بیان این مطلب میپردازد که تبلیغ برای توده‌های پیشرو با تبلیغ برای توده‌های متوسط و پست برای توده‌های عقب مانده یکسان نیست. باشد. نشریه سوسال دمکراتیک برای کارگران پیشرو منتشر میشود (توده‌هایی که سوسال دمکراسی - کمونیم - را پذیرفته‌اند یا سمت آن گرایش قوی دارند) و از جمله تبلیغ و ترویج نظریات سوسال دمکراتیک را در بین توده‌های پیشرو بر عهده دارند.

نشریات فابریک (کارخانه‌ای) برای کارگران متوسط و اعلامیه‌ها و تراکتها برای توده‌های عقب مانده بخشی از فعالیت تبلیغاتی سوسال دمکراتها را شامل میشود. بنا بر این می‌بینیم که هر یک از فعالیتهای تبلیغاتی ما باید توده‌های معینی را در پیش روی خود داشته باشد.

البته مبلغین ما در بحثهای خیابانی نمیتوانند بحث را با توده‌های مختلف اعم از پیشرو یا عقب مانده یا متوسط به پیش ببرند و در هر بحثی با توجه به سطح آگاهی توده‌های ناظر در بحث، بحث را با درجه معینی دنبال کنند. اما بحثهای خیابانی از شکلهای مناسب برای تبلیغ در بین توده‌های متوسط، توده‌هایی که تا درجاتی به تضاد طبقاتی موجود در جامعه برده‌اند ولی هنوز آگاهی آنها تا سطح یک سوسال دمکرات، میباشد. حال با توجه به این مسئله و همچنین ویژگیهایی از "بحث خیابانی" که در زیر ذکر خواهیم کرد باید بر مسائل مهمی در پیشبرد این فعالیت تبلیغاتی انگشت بگذاریم.

### بحثهای خیابانی توده‌های پست و دو

#### کم سواد را هم در پر میگیرند

از صفات مهم و ویژه بحثهای خیابانی

محصل مبارز، دانشجوی مبارز، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش

# بحثهای خیابانی و مبلغین ما

نسبت به تبلیغات کتبی، شفا هی بودن این تبلیغات میباشد.

نزدیک به هفتاد درصد مردم که روشن است اکثر قریب با تفاق آنها از کارگران و زحمتکشان جامعه ما هستند بیسواد هستند و درصد توده های بیسواد و کم سواد درصد بسیار بالاتری را تشکیل میدهند. بی سواد بودن و یا کم سواد بودن توده ها سبب میشود که تبلیغات کتبی نتواند درصد بسیار بالایی از کارگران و زحمت کشان جامعه ما را در بر بگیرد. بهمین دلیل تبلیغات شفا هی برای جذب این توده وسیع زحمتکشان اهمیت فوق العاده ای دارد (بحثهای خیابانی، سخنرانی، رادیو، ...). بنابراین در بحثهای خیابانی باید به این نکته مهم توجه داشته باشیم که این تبلیغات شفا هی باید توده های بیسواد یا کم سواد (که از نظر سطح آگاهی متوسط هستند) را نیز در بر بگیرد.

با توجه به این ویژگی باید علاوه بر آنکه همچون اشکال دیگر تبلیغ بزبان ساده و روشن و غیر مبهم صحبت کنیم، توجه داشته باشیم که باید از یکا بردن لغات و کلمات تیکه در صحبتهای روزانه استفاده نمیشود و بیشتر در نوشته ها مورد استفاده دارد، لغات غیر فارسی، علمی و... خود داری کرد، زیرا که توده های کم سواد و بی سواد قادر به درک آن نیستند.

در مقابل باید از ضرب المثل های توده ای، تا آنجا که بدرد کارمان بخورد استفاده کرد. همچنین از بحث پیرامون مسائل کلی که تنها در تشریحات منعکس است و در سطح توده ای مطرح نبوده و طبیعتاً قابلیت کاربرد برای توده های بیسواد و کم سواد که با بدت تحت پوشش تبلیغات شفا هی قرار نمیگیرند ندارد، خودداری کرد. همچنین در تهیه مواد افشاگری نباید استفاده وسیعی از نوشته های کوچک که تنها در این یا آن گوشه روزنامه ها منعکس میباشد و در سطح توده ها مطرح نشده و توده های بیسواد که قادر به خواندن روزنامه نیستند از آن اطلاعی ندارند، بعمل آورد.

## بحث با توده های متوسط

در بحث با هر دسته از توده ها که از سطح آگاهی معینی برخوردار هستند باید سطح

آگاهی آنها را در بحث در نظر گرفت. اگر این سطح آگاهی را در نظر نگیریم یا بحثهای ما قابل استفاده برای آن توده ها را نداشته و قابل درک نیست و بنا آنکه مطلب پیش پا افتاده و ساده ای خواهد بود.

پس شناخت اساسی ترین ویژگیها در سطح آگاهی توده های متوسط جامعه ما سبب میشود که در بحث خود موفق تر باشیم.

توده های متوسط جامعه ما اگر چه به تفاهد های طبقاتی موجود از جمله بیمن کارگران و سرمایه داران و... آگاهند، اگر چه تفاهد بین رژیم ها کم با زحمتکشان را لا اقل در عرصه های محدودی می بینند و... اما هنوز ایده های رفرومیستی بمیزان قابل توجهی در اندیشه و افکارشان وجود دارد.

آنها شکنجه و اعدام و کشتار انقلابیون را در رژیم ها کم دیده اند و با وردارند، ارتجاعی بودن این یا آن لویج دولتی را قبول دارند، سرکوب ها را مخکوم میکنند و... اما از یک طرف بین شما می این حرکات ارتجاعی نمیتوانند رابطه مناسب را برقرار کنند و از همه مهمتر آنکه بین بسیاری از این حرکات با رژیم سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - ما کم نمیتوانند رابطه مناسب را برقرار کنند. آنرا به این یا آن جناح، این یا آن حزب یا کم و این یا آن فرد نسبت میدهند. از همینرو آنها هنوز نتوانسته اند درک کنند که شما می این حرکات با سیستم سرمایه داری وابسته و رژیم سیاسی حافظ آن یعنی جمهوری اسلامی ارتباط لاینفک دارد و از همین رو خواهان رفع شکنجه و اعدام انقلابیون آزادیهای سیاسی، انقلابی، حقوق سیاسی و اقتصادی کارگران و زحمتکشان هستند بدون آنکه تنها راه کسب آنها را انقلابی

قهرآ میزبان هدف براندازی این رژیم سیاسی - اقتصادی بدانند.

به عبارت ساده تر آنها خواهان حل این مشکلات و معضلات در چهار چوب همین رژیم بوده و ایده های رفرومیستی اکنون در بین توده های متوسط جامعه ما نفوذ فراوانی دارد.

تبلیغات بورژوازی - ارتجاعی بنی صدر و نیز تبلیغات عمیقاً آغشته به رفرومیسم بجا هدین و... نیز در این راه تا - شیر فراوانی داشته و نقش هیزم بیا رمعز - که را ایفا مینمایند.

با توجه به این امر متوجه میشویم که مبلغین ما بیش از هر چیز وظیفه دارند تا توده های متوسط را در حین تبلیغات نشان پرورش داده و با رفرومیسم رایج و غالب در آنها به مبارزه ای جدی بپردازند.

اگر به این مسئله دقت کنیم روشن می شود که تنها صحبت کردن بر سر اینکجه در جامعه ما شکنجه وجود دارد، بسیاری از انقلابیون و زحمتکشان آگاه در زندانها و سایر محلهای رژیم بنر میزنند و... امری کافی نیست. چرا که همانگونه که گفتیم بسیاری از توده های متوسط این مطلب را قبول دارند و به چشم خود دیده اند. وظیفه ما آن است که رابطه بین شکنجه، زندان و اعدام انقلابیون کمونیست و دیگر انقلابیون را با رژیم ها کم توضیح داده و راه از بین بردن این حرکات و معضلات را که همان راه سرنگونی قهرآ میز رژیم و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق تحت رهبری طبقه کارگران نشان بدهیم. رفقا توجه به این مسئله از اهمیت بسیار زیادی در پیشبرد بحثهای خیابانی برخوردار میباشد.

از آنرا فاتی که معمولاً در بحث با توده های متوسط دیده میشود آن است که مبلغ نه تنها از نظریات و صحبت کردن بلکه از نظر سطح آگاهی سیاسی نیز خود را در سطح یک فرد متوسط پائین میآورد. یعنی وقتی با یک فردی که از آگاهی متوسطی برخوردار است صحبت میکنید، اگر مبلغ را شناسایی فکر میکنی که مثلاً یک نفر طرفدار مجاهدین است.

رفقا وظیفه ما در پیشبرد تبلیغات با توده های متوسط با عقب مانده آن نیست



# بحشهای خیابانی

## مبانی و اصول

### مبانی ما

های ما نیز مشاهده میشود که در یک اعلامیه در مورد یک مسئله مشخص، بنحوی بروی شما - می مسائل بحث شده و آنها را نظر شده است پس ما علاوه بر آنکه کلیه فعالیتهای تبلیغاتی شما را با بدخول معورهای اصلی در رابطه با افشای رژیم فراردهیم و آلتر - ناسیونال کمونیستی خویش را نیز ارائه دهیم در بحثهای خیابانی نیز ضمن رعایت ایمن موضوع بحثی آگاهانه دامن زدن به بحثهایی حول اساسی ترین مسائلی که روی آنها باید تبلیغ شود، یک مبلغ خوب باید بتواند مسائل کوچکتری را اهمیت تر و جزئی تر از تبلیغ یکی از معورهای اصلی فوق ربط داده و به افشاگری بپردازد. مثلا بحث در رابطه با مرگ بایی سندز نباید بهمینجا خاتمه یابد، بلکه باید به محور افشای رژیم در رابطه با زندانیان سیاسی ربط داده شود.

### آیاتمامی توده های متوسط برای ما یکسان ارزش دارند

و قتیکه ما صحبت از توده های متوسط میکنیم، این توده ها متعلق به اقشار و طبقات مختلف هستند. اما کمونیستها هرگز به تمام توده های یکسان نمی نگرند. وقتی ما قبول داریم که کمونیسم تنها و تنها توسط یک طبقه یعنی طبقه کارگر قابل پیاده شدن است (بدلیل نقش در تولید) بنا بر این باید بدانیم که ایده های کمونیستی در این طبقه زمینه رشد و نمو دارند. وقتی ما قبول داریم که خرده بورژوازی بویژه اقشار میانی و مرفه آن اساسا از نظر اقتصادی در وضعیتی هستند که نمیتوانند بعنوان یک قشر کمونیسم را بپذیرند و کمونیستها نمیتوانند برای آنها پیاده کردن سوسیالیسم بر آنها تکیه کنند، بنا بر این آنها را غلط نخواهد بود که محل تمرکز فعالیت تبلیغاتی شما را در زمین اقشار غیر پرولتری متمرکز کنیم؟ معمولا خود رقبا با شما دیده کرده باشند که وقتی رژیم را از موضعی کمونیستی نیز افشا میکنند، این توده های خرده بورژوازی شما حدودی این مسئله را می پذیرند و افشای گریهای رقبا تا اندازه ای موثر می افتد ولی عموما آنها تا همان پیگیری کمونیستی نمیتوانند خود را ارتقاء دهند. زیرا که پذیرش ایده های مختلف در رابطه

نیخواهیم که اعلامیه ها و تراکتها به پرورش روحیه توده ها باری رسانند یا بد افشاگری های پراکنده و بی ارتباط با یکدیگر را بپایان داده و حول معورهای مهمی گساز تبلیغاتی شما را دنبال کنیم.

اگر یک روز لایحه قمار را افشا کنیم، فردا املاحت ارضی را، پس فردا مبارزه با مواد مخدر را و... عملا به یک نوار افشای گری تبدیل شده ایم که بطور حرفه ای مسا - ثلی را مطرح میکنند ولی این افشا گریها از زاویه پرورش سیاسی توده ها نبوده و محور مهمی را در افشاگری دنبال نمیکند و بی جهت وبی هدف میباشد.

پس اصلی ترین مسئله برای یک تبلیغ آن است که اول معورهای اصلی تبلیغاتی (زندانیان، سرکوب دگرگراسی، جنگ، دانشگاه و...) را در یافته و همواره در نظرداشته باشد و بداند که بحث حول این مسائلی تبلیغاتی است که باید به پیش رود. شما نباید با بدبختیها مسائل ریز و کوچکی که برای توده ها پیش می آید را بیکدیگر از این معورهای اصلی پیوند زنید و در بحث با زهم به افشاگری حول معورهای مهمی بپردازد. مثلا لایحه قمار را می - توان در حول مسئله مضمون و رده زنان و با حول تفاهات طبقاتی و امتیازات سرمایه داران و... پیش برد. علاوه آنگاه افشای گری در مورد مسائل ریز و کوچک مطرح در سطح جنبش را تنها و تنها با بدخول معور - های مهم تبلیغاتی پیش برد.

از مسائل دیگر که ویژگی تمام اشکال تبلیغی میباشد، در تبلیغ جهت تنها حول یک ایده میتواند وجود داشته باشد. هرچند از این شاخه به آن شاخه، از مسئله گروگان ها به حدود سال ۱۳۶۰ و از آنجا به مسئله فرقتن به المپیک و... زیرا تا نه سال در شخص اولین اصل هرگونه تبلیغی هست. (این مسئله ای است که در بسیاری اعلامیه

که خود را تا سطح آنها عقب بکشیم بلکه با بد افشای آنها را تا سطح خود ارتقاء دهیم - بحث کردن با توده های متوسط هرگز نباید سبب شود که مضمون کمونیستی معیشتان از بین برود. تمامی افشاگریهای شما باید از موضع کمونیستی باشد. وقتی که در رابطه با شکنجه یا در رابطه با وابستگی سیمت اجتماعی - اقتصادی کمونیستی به امپریالیسم صحبت میکنیم باید از موضعی کمونیستی به افشاگری بپردازیم و هرگز یک از این بحثها با بدتفاوت بحث با شما بحثهای مثلا مجاهدین در این رابطه گاملا آشکار باشد. این بدین معنی نیست که قبلا از اینکه نظر خود ما را بگوئیم مرتب به مزبندی با این یا آن گروه بپردازیم بلکه افشاگری ما باید در خودش موضع کمونیستی ما را داشته باشد و صحبتها شما نباید گاملا از زاویه پیگیری کمونیستی صورت گیرد.

### رعایت قوانین تبلیغ در

### بحشهای خیابانی

در رابطه با تبلیغ برخی قوانین این... قطعا تاکنون مسائل و مطالب زیادی خوا - نده اند و شجره کرده اند. بحث ما تکرار مجدد این مسائل نیست، بلکه قصد ما در اینجا تاکید بر برخی جنبه های اساسی از معورهای تبلیغاتی در رابطه با بحثهای خیابانی میباشد. (برای درک بیشتر و یادآوری تجار - یمن در زمینه تبلیغاتی به نوشته بک تراکت خوب یک تراکت بد، تبلیغ و تر - ویح، مقالاتی در نشریه "بیکار" در رابطه با تبلیغ و... میتوان مراجعه کرد) روشن است که در اینجا نیز چهره دیگر اشکال تبلیغی باید در حیات توده ها خواسته های آنها و... در زمین مسائلی بحثها در نظر گرفت. روی بحث با بدبختی بود. از قبل خود را برای بسیاری بحثها که برای دوره ای مداوم است آماده کنیم و...

اما مسئله اصلی که در اینجا میخواهیم بر روی آن انگشت بگذاریم معورده شدن در تبلیغاتی است.

بیشک ما در این با آن حرکت رژیم مطالب فراوانی علیه کارگران و رعیت کسان می بینیم که میتواند بصورت سنگ تبلیغاتی افشاگرانه بکار رود اما اگر

### کمک مالی

رفیق مادر	۲۰۰۰ ریال	رامهرمز	۲۰۰۰ ریال
ف	۱۰۰۰ ریال	د	۵۰۰ ریال
فاطمه	۵۰۰ ریال	ز	دانش آموز ۵۰۰ ریال
فد	هفته با پوشکین	ش	دانش آموز ۲۰۰ ریال
کرج	۲۰۰۰ ریال	ع	دانش آموز ۳۰۰ ریال
فد	دانش آموز	گ	دانش آموز ۳۰۰ ریال
کمیته طراحی د.د	۲۷۵ ریال	م	۳۰۰ ریال
فد	کارمند	ن	دانش آموز ۳۰۰ ریال
م - الف	۱۰۰۰۰ ریال	● اسلام آباد	
واحد مودن (۱)	۱۰۰۰ ریال	دانش آموز ۱۳ ساله	
واحد مودن (۲)	۵۰۰ ریال	● کرمانشاه	
هفته هوادار رفیق باقی	نبردانش آموز	● مهنار	
خیاطی (دبیرستان)	۳۰۰۰ ریال	● بندر ترکمن	
شرف	۵۰۰ ریال	رفیق دانش آموز ۲۵۰ ریال	
یک هوادار	۶۰۰ ریال	● قائمشهر	
● اهواز		هفته مبارزه	۲۳۰۰ ریال
س - ص			

### بقیه از صفحه ۸ هجرت

ادامه داد. سربازان زخمی که دیگر توان جنگیدن نداشتند، خروج از میدان نبرد را قبول نکرده و به رفقای خود فریاد زدند: "به پیشروی ادامه دهید! سگرها را بشخیر کنید، و ما تا زمانیکه سگرازان مانده است از میدان نبرد بیرون نخواهیم رفت". سگرشخیر گردید و این عمل باعث شد که ارتش سرخ بتواند شهر را فتح کند.

در بخش دیگری از جبهه، بیک گروه از جوانان این وظیفه محول شد که برای ارتش سرخ در منطقه دیگری تماس برقرار نمایند. با وجود این حقیقت که برای انجام چنین کاری سربازان ما ۲ روز بدو - ن غذا سر کرده بودند و بار در روز مورد حمله دشمن فرار گرفته بودند، این وظیفه انجام گرفت. هنگی که در جبهه شرق در منطقه لوکین عمل میکرد، در جهت شکستن تحریم اقتصاد دی شهر "بن پین" ۱۲ کشتی پر از مواد غذایی را تصاحب نموده و موفق شد که مواد غذایی را به ناحیه مرکزی منطقه سرخ برساند. این هنگ پس از نفوذ در جبهه عقبی ارتش چپان کای چک و تماس با یکی دیگر از هنگهای ارتش سرخ، به سازماندهی منطقه جدید حکومت سرخ در "منچون" پرداخته رئیس بخش سیاسی این هنگ رفیق سیا شو هوا در اول خدمتکار یک افسر ارتش بود و قبل از رسیدن به سن ۱۴ سالگی در جنگها شرکت میکرد. رئیس قسمت سیاسی هنگ "انتر - ناسیونال جوانان کمونیست" سیا شو هوا در عملیات منطقه غرب همیشه در صف مقدم جبهه بوده و بر مشق خوبی برای سربازان بود. در ۱۹۳۱، او بعنوان یکی از بهترین کُمیسرهای سیاسی ارتش سرخ چین محسوب میشد.

قهرمانها و شجاعتهای کل ارتش سرخ و هر فرد این ارتش، تنها با کینه طبقاتی علیه دشمن، خواست سربازان بزرگ رهایی خود از بردگی و فقر و یوغ امپریالیستها و بوزوا - ملاکان کومین تانگ، قابل فهم است. جبهه جنگ در حال گسترش است و بیگانه رنهای نزدیک است. میلیون ها تن از توده های چین معتقدند که "او - نوتین" سرباز ارتش سرخ درست میگفت

بقیه در صفحه ۲۰

با منافع اجتماعی - اقتصادی افسار مختلف میباشد. (رفقای بحث ما بر سر افرا - دی از این قبیل یا آن قشر نیست که می - توانند از قشر با طبقه خود جدا شده و به صفوف کمونیستها بپیوندند، نیست)

از همین رو با مدتها فعالیت و کسب تبلیغاتی تنها این توده ها را تا حد معینی ارتقا میدهم و از سوی دیگر نیروهای چون مجاهدین از این نیرو - هایی که فعالیت کمونیستها آنها را ارتقا داده بخوبی بهره ورمیشوند، به اصطلاح میگویند این نوع تبلیغات یعنی "افشاگری بخاطر خدا" نه افشاگری برای هر چه بیشتر توده های گردن پندها و نظرات کمونیستی.

البته از آنجا که این مسئله صرفا به بحثهای خیابانی محدود نمیشود و از سوی دیگر از انحرافات بسیار مهمی است که در تبلیغات نیروهای کمونیستی وجود دارد. در شماره های دیگر نشریه مفلابدان می پردازیم.

در اینجا فقط بر همین نکته انگشت می - گذاریم که رفقا باید ایمان داشته باشیم که تنها طبقه کارگر و آنهم کارگران صنعتی هستند که کمونیستها میتوانند با بدست عنوان یک طبقه بر آنها تکیه کنند و تنها

این طبقه است که از نظر نقشی که در تولید دارد میتواند افشاگریهای ما را در بیک پرونده کار فعال و دنباله دار از همسان موضع کمونیستی بپذیرد.

بنابراین تمامی توده های متوسط برای ما از یک میزان ارزش برخوردار نیستند و ما موظفیم تا فعالیت تبلیغاتی خود را از جمله در شکل بحثهای خیابانی در بین این طبقه متمرکز کنیم. طبیعتی است که این مسئله به معنی نفی هرگونه بحث خیابانی در نقاط غیر پرولتاریس نیست. بلکه بحث بر سر آن است که مرکز ثقل فعالیت تبلیغاتی ما باید در بین کدام طبقه باشد.

اما از آنجا که در بحث با توده ها باید به یاد اینکه از کدام قشر با طبقه هستند توجیه داشته باشیم و با مسائل آنها آشنا باشیم ضرورت فراوانی دارد که دقیقاً شما آنجا که برایمان مقدور است در جریسان اخبار و مسائل کارگری قرار بگیریم.

رفقا برای فعالیت تبلیغاتی یکدنبال کار در پیش رویمان وجود دارد. بگوئیم تا با جمع بندی هر چه بهتر و بیشتر از هر یک از فعالیتهای تبلیغاتییمان در فعالیت - های تبلیغاتییمان هر روز آگها نه تسیر و نقشه مند تر حرکت کنیم.

# زندان قتل

سه شنبه ۶۰/۲/۲۲ در زورآباد کسرج  
 کارگری جوان در حالیکه خسته و کوفته از  
 سرکار بخانه میرفت در تصادف با مینتی -  
 بوسی و تا نگرشفت بدست سبتم سرما یسه -  
 داری و آبسته و رژیم حامی آن بقتل  
 رسید .  
 کارگران ایستاده بودند  
 زحمتکشان حلقه زده بودند  
 و برسد کارگر جوان  
 بر مژغنتلاشیش  
 بردستهای تا آرشج روغنیش  
 مینگریستند  
 خون غوثشان را میخورد  
 با صورت برافروخته  
 ابروها در هم کشیده  
 سیاتدیشدند  
 چرا ؟  
 هر ذره تنشا نمیفرید چرا ؟  
 آری چرا  
 اینمان فرزند کارگران ، فرزند زحمت  
 کسان  
 در خون غرقه میشود  
 قتل انواع مختلف دارد

# ف

نگاهان به آسمان است  
 انگشتانمان روی ماشه تفنگ  
 و مشتها یمان محکم درهم  
 تا بزنیم قلب دشمنان  
 تا افتد پرچم ستمگران  
 برپا خیزد بیرق کارگران  
 سرخ و خونین  
 باشکوه  
 آری ....  
 با این هدف  
 و با امید پیش میرویم  
 هر لحظه ، هر آن  
 کامی جلو  
 بسوی سوسیالیسم

سحر - دوم نظری - همدان

میتوان کسی را با چاقو کشت  
 با به جوخه اعدام سپرد  
 میتوان کسی را وحشتناک  
 تا سرحد مرگ

بکا رگشید  
 و آنگاه خسته ، در غیابانهای شلوغ ، کسج و  
 معوج  
 در محله ای فقیرنشین  
 محله کارگران روزحمتکشان  
 رهایش نمسود

خبر آوردند دیروز :  
 زنی حامله ، دیه بدست ، بدنبال آب  
 زیر تا نگرشفت  
 کشته شد  
 کارگری جوان ، در حال دانشه ای  
 از زمین رفت  
 فردا نیز خبر میآوردند :  
 بیاشید  
 زورآبادی های ما با خاسته اند  
 در زورآباد قیام شده  
 مرگ سرمایه داری وابسته فسرا  
 رسیده

بخش سیاسی - سازمان دانشجویان و  
 دانش آموزان پیکار - کسرج



درفش سرخمان  
 سمبل نیرو خونین ماست  
 پرولتاریا !  
 آن افق سرخ فرداست  
 در اهتزاز در دستهای پرتوانت  
 بلندتر بگیرش  
 بلندتر  
 آن سرود سرخ ماست  
 آواز زرم زحمتکشان  
 آواز رهبری کارگران  
 بلندتر بگیرش  
 بلندتر  
 آن خون یاران ماست  
 که از سرمایه داری تا کمونیم  
 خطی کشیده است  
 سرخ سرخ !  
 آن سرخی سوسیالیسم است !  
 بلندتر بگیرش  
 بلندتر

# ستاره با کوچکترین

سنگم .  
 با کوچکترین ستاره هاست  
 آن ستاره های سرخ  
 آن ستاره های بالنده :  
 آری !  
 رفقای کوچکم !  
 ما با هم بسیار کتاب خوانده ایم  
 کتابهای صمدرا ورق زده ایم  
 ما هم سیاه کوچولو را دیده ایم  
 با کورا و قلو حرف زده ایم  
 در ارس شنا کرده ایم  
 آری !  
 ستاره ها !  
 ما ، شاگردان صدهستیم  
 ما خود ما هم سیاه کوچولو بوده ایم  
 شبها ،  
 که روی دیوارها نوشته ایم  
 روزها ،  
 که نشریه فروخته ایم  
 ما ، از ظلم میروئیم  
 و از استثمار زاده میشویم  
 ما از خون و عرق زحمتکشان  
 جاری میشویم  
 ما ، دردربای زندگی شنا کرده ایم  
 و در مبارزه ، آبدیده شده ایم  
 و اینک ،  
 سر بریز میکتیم  
 از مدرسه ها  
 از کارگاهها  
 از کوره پزخانه ها  
 و ما ،  
 ما هم سیاه کوچولو خواهیم ماند  
 دردربای بوده ها !

مالا - انزلی



# مراسم چهلمین روز شهادت رفقای کمونیست پیکارگر آذر مهر عکبان و ایرج تهرانی



جمعه هشتم خرداد، بمناسبت چهلینم شهادت رفقای کمونیست پیکارگر، آذر مهر عکبان، ایرج تهرانی، مراسم بزرگوار رفیق آذر در بهشت زهرا با شرکت هواداران رفقای همروز و خانواده اش برگزار شد. در این مراسم، ضمن خوش آمدگویی به رفقا، سرود درم آوران کمون یعنی سرود همیشه جاوید کمونیستها انترناسیونال، با مستهای بهم پیوسته و گره کرده و فریادی پرغروش خوانده شد. صدای پرطلایت - و آهنگن جمعیت باعث شد که مردمی که در آن حوالی بودند بخود متوجه کند و نتواند بان وکنجکاوانه در مراسم شرکت نمایند. پیام سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، برای گرامی داشت و خاطره شکوهمند رفقای شهید قرائت شد.

اما نمیدانند هر بار که رفیقی را از دست میدهم، صد ها نوجوان کمونیست پر شور و شرو پیکارگر جای او را میگیرند و مصمم وبا عزم را استخراجی پیش و بانگ و نغمه فریاد عزمت نسبت به دشمنان طبقاتی تیان، بیاد و راه پرشکوه رفقای شهید را تا راهی کامل کارگران، دهقانان و زحمتکشان از هر گوشه نقد و بند وستم و بهره کشی واستعمار ادامه میدهند.

سی سرود شهیدان که یادآور سرخ تنامی شهدای کمونیست و انقلابی است یکمدا و با هم در محوطه طنین اندازد. مادر رفیق آذر، جوان کمونیستها که از سرگرمی های ندارند و حاضرند تمام هست و نیستشان را در راه آزادی طبقه کارگر نثار کنند، برای حاضرین چهره کشیف و دستیان غرقه بخون و ددمش رزم جمهوری اسلامی را در سرگویی کارگران، کمونیستها و نمایی زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ایران را افشا و بر ملا کرد. جمعیت با شعار "درود بر تو ما در مبارز" قدر و منزلت مادر کمونیست را ارج نهادند. سپس پیام سازمان

در پیام سازمان آمده بود: رژیم ستم مردمی جمهوری اسلامی، سعی میکند با برپر کردن رفقای ما، راه حماسه آفرین و تاریخ از طبقه کارگر را به خیال خام و ذهن کودن و غلبش دچار وقفه سازد. و رفقا را از راهی که برگزیده اند، باز شان دارد

مان دانشجویان و دانش آموزان پیکار پیام تنگیلات تهران و شماری بیاد رفقای شهید، در پایان با سرود یادیاران جمعیت بدون هیچگونه درگیری با مزدوران و پاسداران سرمایه، متفرق گردیدند.

### بقیه از صفحه ۱۸ مبارزات...

وقتی که بیان داشت: "من اکنون درمی-  
یابم که قدرت حکومت سرخ قدرت ماست  
من اکنون می فهم که تنها با واژگونی  
حکومت ملاک - بورژوازی کومین تانگ و  
امپریالیستها است که پیروزی حکومت  
سرخ در سراسر چین بدست خواهد آمد.  
تنها برای مبارزه در جهت این پیروزی  
است که من نیز رهائی خویش را بدست  
خواهم آورد"  
بدین علت است که حکومت سرخ در حال  
رشد و تنفوق است، چرا که پرچم مارکسی-  
انگلس، لعین و استالین شکست ناپذیر  
است.

